



فصلنامه علمی فرهنگی رویش
سال هفتم، شماره دوازدهم
زمستان ۱۴۰۳

رویش

* نقش اجتماعی و استراتژیک زنان
در محور مقاومت

* مقاومت زنان در دفاع مقدس

* مقاوم همچو زینب (ع)

* وصیتنامه شهید نصرالله

* معصومه را بهتر بشناسید

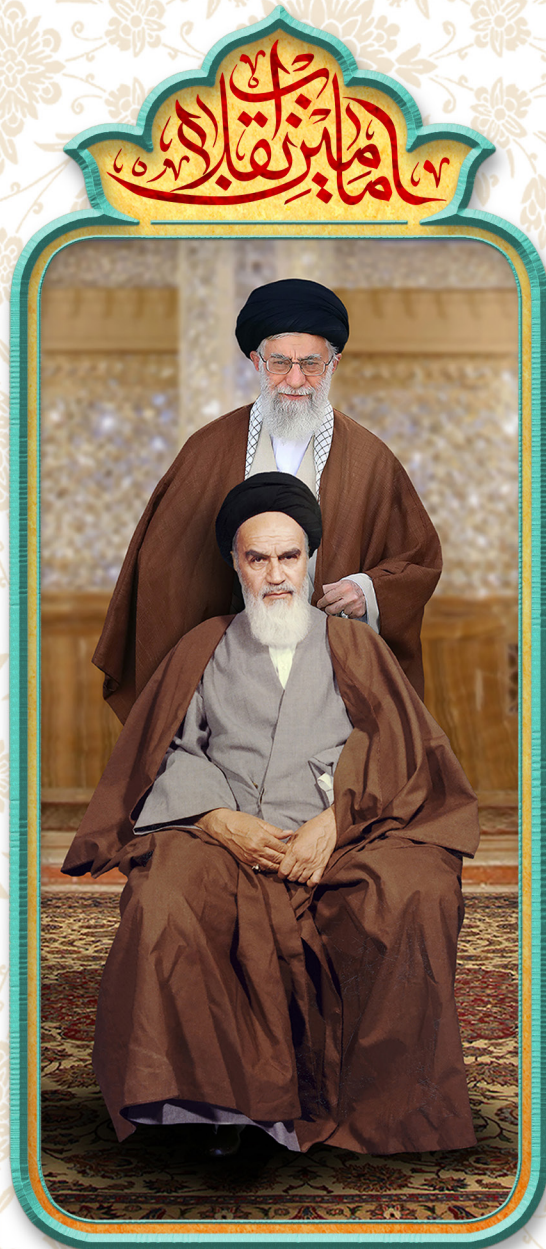
* مقاومت زنانه در غزه

* کمی تأمل



الشهید القائد /

السید حسن نصرالله



پیام به مناسبت مراسم تشییع مجاهد کبیر شهید سیدحسن نصرالله و شهید سیدهاشم صفی‌الدین

بسم الله الرحمن الرحيم
 قال الله عز و جل: وَاللَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِكَرَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ. (۱)
 مجاهد کبیر و زعیم پیشتاز مقاومت در منطقه، حضرت سیدحسن نصرالله (اعلی الله مقامه)، اکنون در اوج عزت است. بدن پاک او در سرزمین جهاد فی سبیل الله به خاک سپرده میشود، ولی روح و راه او هر روز سرافرازتر از پیش جلوه خواهد کرد ان شاء الله، و راه را به رهروان نشان خواهد داد.
 دشمن بداند که مقاومت در برابر غصب و ظلم و استکبار، تمام‌شدنی نیست و تا رسیدن به سرمنزل مقصود ادامه خواهد یافت باذن الله.
 نام نیک و چهره‌ی نورانی جناب سیدهاشم صفی‌الدین (رضوان الله علیه) نیز ستاره‌ی درخشان تاریخ این منطقه است. او یاور نزدیک و جزء جدانشدنی رهبری مقاومت در لبنان بود.
 سلام خدا و بندگان صالحش بر این دو مجاهد سرافراز و بر دیگر مبارزان شجاع و فداکار که در برهه‌ی اخیر به شهادت رسیدند، و بر همه‌ی شهدای اسلام. و سلام ویژه‌ی من به شما فرزندان عزیزم، جوانان سلحشور لبنان.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۴۰۳/۱۲/۰۳

۱- سوره‌ی منافقون، بخشی از آیه‌ی ۸: «... والی [عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است، لیکن این دورویان نمیدانند.»



فهرست

- نیایش ۲
- سخن سردبیر ۳
- نقش اجتماعی و استراتژیک زنان در
محور مقاومت ۴
- کمی تأمل ۶
- پرتو هدایت ۷
- مقاومت زنان در هشت سال دفاع مقدس ۸
- خورشید نصر ۱۱
- مقاوم همچوزینب (علیه السلام) ۱۲
- علی (علیه السلام) آینه تمام نمای مقاومت از منظر
نهج البلاغه ۱۴
- آرمان داری زینب (علیه السلام) ۱۷
- متن وصیتنامه شهید سید حسن نصرالله ۱۸
- حرف های شنیدنی ۱۹
- ترجمه خطبه عربی رهبر انقلاب (علیه السلام) در
نماز جمعه نصر ۲۰
- معصومه را بهتر بشناسید ۲۲
- عکس و مکث ۲۶
- مقاومت در قرآن کریم و مصادیق آن در
فقه سیاسی ۲۸
- شیر زن مقاومت ۳۱
- مقاومت در احادیث ۳۲
- مقاومت زنانه در غزه ۳۴
- معرفی کتاب ۳۸
- دلنوشته ۴۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فصلنامه علمی فرهنگی رویش - شماره دوازدهم - زمستان ۱۴۰۳

نشریه علمی فرهنگی رویش - شماره دوازدهم
نشریه داخلی مدرسه علمیه تخصصی حضرت آمنه (علیه السلام)
صاحب امتیاز: مدرسه علمیه تخصصی حضرت آمنه (علیه السلام)

مدیر مسئول: مریم صالحی ساداتی

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

کبری خداوردی

مریم صالحی ساداتی

نیره سادات محمدی

سیده هاجر میرعمادی

سردبیر: منصوره شهاب

همکاران این شماره:

سیده هاجر میرعمادی، کوثر پنام،

طاهره فلاح نژاد، نیره سادات محمدی

طراح و گرافیک: منصوره شهاب

ویراستار: منصوره شهاب



نشانی: قم، خیابان کلهری، انتهای خیابان آل یاسین، خیابان بنی هاشم،
کوچه سوم (شهید محمد ناجی)، مقابل برج آسمان، مدرسه علمیه تخصصی
حضرت آمنه (علیه السلام)

رایانامه: ruyesh.ameneh@gmail.com

تلفن: ۰۲۵-۳۷۲۳۹۹۴۸



پله پله تا آسمان

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ستم‌کننده بر من و دشمنم را با نیرویت از ستم بر من بازدار و با قدرتت تندی و تیزی ستمش را بر من بشکن و برایش در آنچه که دوست دارد، مشغولیت و سرگرمی قرار ده [تا از ستم‌ورزی غافل گردد]؛ و بر وجودش در برابر مظلومی که با او به دشمنی برمی‌خیزد، داغ عجز و ناتوانی زن.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ستم‌کار را رخصت ستم بر من مده و یاری‌ات را نسبت به من، در برابر او نیکو قرار ده؛ و مرا از دست زدن به کارهایی مانند کار او حفظ کن و در حالتی مانند حال او قرار مده.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا بر دشمنم یاری ده؛ یاری دادن بی‌درنگی که خشمم نسبت به او شفا و کینه‌ام در برابر او وفا باشد.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و عفو و بخشش را در برابر ستمی که دشمن به من روا می‌دارد، عوض ده؛ و به جای رفتار بدش نسبت به من، رحمت را قرار ده؛ پس هر گرفتاری و سختی ورای خشم تو ناچیز و هر بلایی با وجود خشم تو معتدل است.

خدایا! همان‌طور که ستم کردن دیگران را بر من در نظرم ناخوشایند جلوه دادی، مرا از این‌که بر دیگران ستم ورزم حفظ فرما.

خدایا! به کسی غیر تو شکایت نمی‌کنم و از هیچ حاکمی غیر تو یاری نمی‌خواهم، حاشا که چنین کنم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و دعایم را به اجابت برسان و شکایتم را به تغییر وضع فعلی‌ام مقرون ساز.

خدایا! مرا به ناامیدی از عدل و انصاف در عرصه امتحان قرار نده و دشمن را به ایمنی از کيفرت امتحان مفرما تا این‌که بر ستمش نسبت به من پافشاری کند و بر حقم چیره شود؛ و به‌زودی او را به عذابی که ستمکاران را به آن تهدید کردی آشنا کن؛ و مرا با اجابتی که نسبت به دعای بیچارگان وعده دادی آگاه ساز.

فرازی از دعای چهاردهم صحیفه سجادیه

سخن سردیر

زنان در تاریخ مقاومت لبنان و فلسطین نقش بسزایی ایفا کرده‌اند. این نقش نه تنها به واسطه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آن‌ها بلکه از طریق مشارکت در جنبش‌های مقاومتی و فرهنگی نیز برجسته شده است. از اوایل تأسیس جنبش‌های اسلامی و ملی در لبنان و فلسطین تاکنون، زنان همواره به عنوان نمادهای مقاومت و پیونددهنده خانواده‌ها و جوامع در جنگ و محاصره شناخته شده‌اند.

در لبنان، زنان در طول جنگ‌های داخلی و همچنین در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی، نقش‌های متعددی را ایفا کرده‌اند. آن‌ها با فعالیت‌های خود در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به تقویت روحیه مقاومت کمک کرده‌اند. به عنوان مثال، خانواده‌های شهدا و مفقودان با حمایت از یکدیگر و پیگیری عدالت برای عزیزانشان، پایبندی خود به آرمان‌های مقاومت را نشان می‌دهند.

در فلسطین نیز، زنان به عنوان پیشگامان مبارزه علیه اشغالگری اسرائیل، به شدت فعال بوده‌اند. آن‌ها با شرکت در تظاهرات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، صدای خود را برای دفاع از حقوق ملت فلسطین بلند کرده‌اند. مبارزاتی همچون فعالیت‌های اجتماعی در کرانه باختری و ایستادگی زنانه در غزه نمونه‌هایی از تأثیرگذاری زنان در عرصه مقاومت‌اند.

شهید سید حسن نصرالله به عنوان دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان، یکی از شخصیت‌های کلیدی در این زمینه بود. او نه تنها به عنوان یک رهبر سیاسی، بلکه به عنوان یک نماد از مقاومت و استقامت در برابر ظلم و ستم شناخته می‌شود. نصرالله همواره تأکید داشت که زنان بخش انکارناپذیری از پیروزی‌ها و دستاوردهای مقاومت هستند. او در سخنرانی‌ها و بیانیه‌هایش، به نقش حیاتی زنان در اصلاح جامعه و پیشبرد اهداف مقاومت اشاره می‌کند.

نصرالله با حمایت از حقوق زنان و تأکید بر ضرورت مشارکت آن‌ها در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی، به درک بهتر جامعه^۱ Lebanese از نقش زنان در مبارزه کمک کرده است. او همواره به تجلیل از زنانی که در صف مقدم مبارزات قرار دارند، پرداخته و از آن‌ها به عنوان الگوهایی برای نسل‌های آینده یاد کرده است.

زنان در لبنان و فلسطین نه تنها به عنوان حامیان خانواده‌ها و جوامع بلکه به عنوان پیشگامان مقاومت و تغییر اجتماعی شناخته می‌شوند. با توجه به رهبری شهید سید حسن نصرالله و اعتقاد او به اهمیت زنان، این امید وجود دارد که با همبستگی و مشارکت بیشتر، جامعه مقاومتی‌ای ایجاد شود که در آن هر فرد، چه زن و چه مرد، بتواند به سهم خود در ساختن آینده‌ای بهتر برای لبنان و فلسطین نقش ایفا کند. از طریق تقدیر و حمایت از زنان، می‌توان به افرادی مؤثرتر و قویتر برای مبارزات آینده دست یافت. ان شاءالله

۱. کلمه "Lebanese" به معنای "لبنانی" است و به افرادی اشاره دارد

که شهروند یا ساکن کشور لبنان هستند یا به فرهنگ، زبان و تاریخ لبنان مربوط می‌شوند. این واژه به‌طور معمول در زمینه‌های مختلف از جمله هویت ملی، فرهنگی و اجتماعی لبنان به کار می‌رود.



نقش اجتماعی و استراتژیک زنان در محور مقاومت

گردآوری: سیده هاجر میرعمادی



از همان ابتدای حرکت‌های آزادی‌خواهانه، زنان در فلسطین و لبنان به عنوان نمادهای مقاومت برآمده و در مقاومت‌های تاریخی‌شان استمراری بی‌پایان به وجود آورده‌اند.

به گزارش گروه فرهنگی خبرگزاری دانشجو، از همان ابتدای حرکت‌های آزادی‌خواهانه، زنان در فلسطین و لبنان به عنوان نمادهای مقاومت برآمده و در مقاومت‌های تاریخی‌شان استمراری بی‌پایان به وجود آورده‌اند. این نقش نه فقط یک پارادایم اسطوره‌ای، بلکه واقعیتهای اجتماعی و بدیع است که راهش را از طریق روایت‌ها، شعرها و حماسه‌ها گشوده است. زنان فلسطینی و لبنانی با خلق پیوندهای فرهنگی و معنوی، جریان مقاومتی را زنده نگه‌داشته‌اند که هویتی دست‌نخورده و اصیل برای جوامعشان به ارمغان آورده است.

مقاومت در فلسطین: زنان به عنوان ستون‌های پایداری

در فلسطین، زنان همواره به‌عنوان محورهای برای پشتیبانی و حمایت اجتماعی عمل کرده‌اند و در تمامی انتفاضه‌ها، حضورشان به‌منزله نمادی از ایستادگی و چالش علیه اشغالگری تفسیر می‌شود. زنان فلسطینی به طور فعال در حمایت از خانواده‌ها و جوامع خود شرکت دارند و با هدایت و هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، نقش بنیادینی در تداوم اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند. حضور زنان در مقاومتی که در فلسطین شکل گرفته است، به مانند نخ تسبیحی است که جامعه را به‌هم پیوسته و به یکدیگر نزدیک نگه می‌دارد.

مقاومت در لبنان: فراتر از خط حمایت

در لبنان، نقش زنان به معنای واقعی کلمه به میدان جنگ کشیده شده است. حزب‌الله لبنان از حضور و فعالیت زنان در واحدهای پشتیبانی و حتی عملیاتی خود استقبال نموده است. این زنان، با حضور مؤثر در حوزه‌هایی، چون بهداشت، آموزش و خدمات اجتماعی به ارکان ثابتی از جامعه مقاومت تبدیل شده‌اند. آنان توانسته‌اند با تلفیق هوشیاری اجتماعی و قدرت مدیریتی، نه فقط به‌عنوان حامیان بلکه به‌عنوان فرماندهان و مشاوران استراتژیک ظهور کنند.

موانع و چشم‌اندازهای جدید

علی‌رغم دستاوردهای زنان در این جبهه‌ها، همچنان چالش‌هایی نظیر محدودیت‌هایی مانع از تحقق کامل





ظرفیت‌های آنان می‌شود. این محدودیت‌ها نه تنها به شکل حقوقی، بلکه به صورت نمادین و عاطفی، فضایی تنگ‌تر برای رشد و توسعه اجتماعی خلق می‌کند. با این حال، رشد پیوسته و حضور فزاینده زنان در عرصه‌های مختلف، نویدبخش فرصت‌های جدیدی برای تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است.

تاثیرات و نفوذ جهانی

نقش زنان در مقاومت فلسطین و لبنان تنها به مرزهای جغرافیایی این مناطق محدود نمانده است. تاثیر جهانی این نقش به وضوح در تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از جنبش‌های آزادی خواهانه و حقوق بشری منعکس شده

است. فعالان، پژوهشگران و رسانه‌ها با پردازش این تجربیات، ارزش و تأثیر زنان را در تحولات جهانی برجسته ساخته‌اند و از آن به عنوان الگوهایی برای تغییر در جوامع دیگر یاد کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

نقش زنان در محور مقاومت، بازتابی از قدرت بی‌پایان و پایداری آنان است. این زنان نه تنها حافظ و حامل ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی‌اند، بلکه پیشگامان تغییرات عمیقی هستند که راه را برای آینده‌ای عادلانه‌تر و برابرتر در عرصه‌ی جهانی هموار می‌کند. برای درک بهتر و عمیق‌تر این نقش، ضروری است که به میراث پر افتخار و پیچیده این زنان توجه کنیم و از تجربیاتشان در راستای تقویت جنبش‌های جهانی عدالت‌محور بهره‌بریم.

فرزانه شکوری معاون بانوان نظام مسائل کشور

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به سوی مسجد روانه شد، وقتی که به مسجد رسید دید شخصی کنار در مسجد توقف کرده و بسیار اندوهگین است، به او فرمودند:

- چرا غمگین هستی؟

او گفت: ای امیرمؤمنان! به خاطر مصیبت فوت پدر (و مادر) و برادر، گرفتار شده‌ام که می‌ترسم دق کنم.

امیرمؤمنان فرمودند: «تو را سفارش می‌کنم به تقوا و پرهیزکاری، صبر و مقاومت کن تا به پیامد (نیک) آن برسی، و این را بدان که صبر و استقامت در امور، همانند سر، نسبت به بدن است، هرگاه پیکری بدون سر باشد، فاسد گردد، همچنین اگر شئون زندگی انسان، دارای صبر و استقامت نباشد، آن شئون تباه شده و متلاشی می‌گردد.»

استاد محمد مهدی اشتیاردی

داستان‌های اصول کافی جلد‌های ۱ و ۲

باب الصبر، حدیث ۱۳، ص ۹۱، ج ۲.



کمی تأمل

”عبدالله بن جعفر“ شوهر حضرت زینب کبری (ع) از سخاوتمندان بی نظیر بود. روزی از کنار نخلستان عبور می کرد، دید غلامی در آنجا کار می کند، همان وقت غذای غلام را آوردند و او خواست مشغول خوردن شود؛ سگی گرسنه به آنجا آمد و به نشانه گرسنگی دم خود را تکان می داد.

غلام مقداری از غذا را به جلو سگ انداخت و سگ آن را خورد. غلام مقداری دیگر انداخت و سگ آن را خورد تا اینکه همه غذای خود را به سگ داد. عبدالله از غلام پرسید: جیره غذای روزانه تو چقدر است؟ گفت: همین مقدار که دیدی. فرمود: پس چرا سگ را بر خود مقدم داشتی؟ گفت: این سگ از راه دور آمده و گرسنه بود و من دوست نداشتم تا او را با گرسنگی از اینجا رد کنم.

فرمود: پس خودت امروز گرسنگی را با چه غذائی رفع می کنی؟ گفت: با صبر و مقاومت گرسنگی روز را به شب می رسانم.

عبدالله وقتی ایثار و جوانمردی غلام را مشاهده کرد گفت: این غلام از من سخاوتمندتر است؛ و برای تشویق و جبران آن نخلستان و غلام را از صاحبش خرید، سپس غلام را آزاد کرد و آن نخلستان را با تمام وسایلی که داشت به او بخشید^(۱).

یکصد موضوع پانصد داستان

۱- حکایت های شنیدنی ۵/۱۱۴ - المحججه البيضاء ۶/۸۰

گردآوری: سیده هاجر میرعمادی





پرتو هدایت

بر همه‌ی مسلمانان "فرض" است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب الله سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث آن را یاری کنند.^(۱)

وظیفه هر مسلمان در برابر این حکم حکومتی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای دامت‌الرحمة

(۱) انزجار قلبی از صهیونیست و رضایت قلبی از جبهه مقاومت.

(۲) دعا جهت پیروزی مردم لبنان و نابودی رژیم غاصب اسرائیل.

(۳) حمایت زبانی و هنری از مردم مظلوم لبنان؛ از جمله:

پاسخ به شبهات، جهاد تبیین و روشنگری؛ مانند:

- آگاه کردن مردم به وجوب حکم شرعی کمک به مسلمان مظلوم نیازمند که مورد هجوم دشمنان قرار گرفته است؛ و در این حکم مرز جغرافیایی دخیل نیست، بلکه کمک به کسی که نیازمندتر است - گرچه در کشور دیگر باشد- مقدم است.

- آگاه کردن مردم به عدم حرمت (بلکه در بسیاری از موارد وجوب) موشک زدن مقاومت؛ چرا که حزب الله، نوعاً مناطق نظامی آنان را مورد هدف قرار می‌دهد - نه مناطق مسکونی - و از طرفی اغلب زنان و کودکان اسرائیلی نیز افرادی نظامی می‌باشند.

- آگاه کردن مردم به شبهه هزینه برای محور مقاومت با توضیح ذیل:

به اذعان ترامپ (Donald Trump) آمریکا برای نابودی ایران و به‌وجود آوردن خاورمیانه جدید، ۷ هزار میلیارد دلار هزینه کرده و جمهوری اسلامی ایران ۱۶ میلیارد دلار برای سوریه، عراق، لبنان و... هزینه کرد. و اگر ما این هزینه را نمی‌کردیم، حداقل برآورد خسارت مالی به اذعان سوزان مالونی (Suzanne Maloney) ۵۹۲ میلیارد دلار بود. ضمن اینکه این مبلغ فقط از بودجه نظامی بوده است.

لازم به ذکر است امنیت با پول و مادیات قابل مقایسه نبوده و اگر صدها برابر این مبلغی که ادعا شده، برای امنیت دین و ناموس هزینه شود ارزش دارد. آنچنان که سیدالشهدا علیه‌السلام و یاران باوفای ایشان، سر به نیزه دادند، اما تن به ذلت ندادند

(۴) حمایت مالی از مردم مظلوم لبنان و جبهه مقاومت در حدّ توان.

(۵) شرکت در راهپیمایی و تجمعات حمایتی از مردم مظلوم لبنان.

(۶) عدم خرید کالاهایی که سود تولید یا فروش آنها نصیب صهیونیست می‌شود.

(۷) جهاد نظامی؛ که بر همگان واجب کفایی است؛ البته برای ایرانیان لازم است مطابق مقررات و تصمیمات مسئولین با مدیریت صحیح و انسجام نیروها و رعایت موازین جنگی و فرماندهی صحیح صورت بگیرد؛ نه به صورت پراکنده و بی‌نظم.^(۲)

منابع:

(۱) مقام معظم رهبری دامت‌الرحمة، ۷ مهر ۱۴۰۳

(۲) استفتاء از مقام معظم رهبری دامت‌الرحمة، شماره سؤالات: ۶۶۵۰۹۱ و ۱۶۲۷۲۲۷ / مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی، کد رهگیری: ۱۴۰۲۰۷۱۸۰۰۷۹ / استفتاء مکتوب و شفاهی از مراجع معظم تقلید.

مقاومت زنان در هشت سال دفاع مقدس

سیده هاجر میرعمادی

از مهم‌ترین جلوه‌های حضور بانوان ایرانی در دفاع مقدس نقش پشتیبانی و خدماتی آنان و فراهم آوردن تدارکات لازم برای رزمندگان در جبهه‌های جنگ بود. در آغازین روزهای تهاجم دشمن بعثی، بیشتر این خدمات به صورت خودجوش و کمتر سازمان یافته در مراکزی نظیر مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و غیره با مشارکت فعال بانوان صورت می‌گرفت. فعالیت زنان مسلمان در ستادهای پشتیبانی جبهه و جنگ به موارد خاصی محدود نمی‌شد و آنها متناسب با توانایی‌هایشان فعالیت‌های متنوعی انجام می‌دادند.

آشپزی؛ تهیه و پخت غذا

در نخستین روزهای تهاجم دشمن بعثی، مسجد جامع خرمشهر مرکز مهم پشتیبانی مدافعان خرمشهر و جنگ تحمیلی بود. زنان و بانوان در این ایام به کار پخت و پز، آشپزی و تهیه مواد خوراکی برای رزمندگان اسلام مشغول شدند.



بنا به نقل مژده امبایشی از خواهران فعال در دوران دفاع مقدس، از دیگر مراکز فعال در زمینه پشتیبانی جنگ حسینیه اصفهانی‌های خرمشهر بود که شمار زیادی از بانوان در آنجا مشغول فعالیت بودند. بر اساس خاطرات خانم کمایی و فرهنگیان، بانوان زیادی در مسجد پیروز واقع در ایستگاه ۷ منطقه پیروزآباد آبادان، و مسجد امام زمان (عج) این شهر کار پخت غذا و در برخی موارد تهیه ساندویچ برای رزمندگان را انجام می‌دادند. همچنین بخشی از بانوان نیز در منازلشان به پخت نان و ارسال آن برای رزمندگان می‌پرداختند.

در این زمینه خیریه معاوی می‌گوید: آن روزها مادر کارش شده بود نان پختن برای رزمندگان، برای بچه‌های یتیم هم نان می‌پخت. کم‌کم رزمندگان عادت کرده بودند، خودشان به خانه ما می‌آمدند و نان می‌گرفتند حتی بعضی از روزها اگر نمی‌آمدند مادرمان‌ها را داخل کوله پشتی می‌گذاشت و از بین نیزارها برایشان می‌برد.

ساغر کریمی در زمینه تلاش زنان در سخت‌ترین شرایط برای تهیه و پخت غذا در مسجد مهدی موعود (عج) می‌گوید: «تمام پخت و پز با ما زن‌ها بود. وقتی غذا می‌پختیم، تمام کیسه‌های برنج، آرد، کسپول گاز، دیگ و اجاق گازهای بزرگ و هر چه را که لازم بود خودمان جابه‌جا می‌کردیم. خانم دشتی (آتش پنجه) کنار دیوار بین خانه خادم و حیاط مسجد، روزی سی تا چهل مرغ را سر می‌برید و خواهرهای دیگر، تندتند پرهایشان را می‌کنند و تکه‌تکه می‌کردند و به ما آشپزها می‌دادند. غیر از من، چند خواهر دیگر هم آشپزی می‌کردند. من هر روز برای دویست نفر غذا می‌پختم».

توزیع آذوقه در مناطق جنگی

یکی دیگر از فعالیت‌های پشتیبانی و تدارکاتی زنان در دوران دفاع مقدس که بیشتر در روزهای نخستین جنگ تحمیلی و تهاجم دشمن به خرمشهر نمود پیدا می‌کند، حضور زنان در نزدیک‌ترین محل درگیری نیروهای خودی با دشمن بعثی است. برخی از بانوان پشتیبانی مسجد جامع با استفاده از بشکه و قابلمه با وانت بار آب آشامیدنی را به رزمندگان اسلام می‌رساندند. در این زمینه الهه حجازی می‌گوید: یکی از کارهای که بر عهده من و بعضی از خواهران گذاشته بودن، رساندن آب به رزمندگان در سطح شهر بود. آن روزها از قمقمه و امکانات مخصوص نظامی خبری نبود حتی نیروها با لباس‌ها و کفش‌های معمولی به جنگ می‌رفتند. تانکر آب از آبادان و اطراف خرمشهر می‌آمد از زیر آتش و توپ و خمپاره می‌گذشت و اگر سالم به مسجد می‌رسید، ما آن را تقسیم می‌کردیم. سهم رزمندگان را در قابلمه و بشکه می‌ریختیم و با وانت‌بار به محله‌های می‌بردیم که در آن جا نیروهای خودی و دشمن در حال نبرد بودند. برخی نیز مانند شهیده شهناز

حاجی‌شاه، بهجت صالح پور و سیده زهرا حسینی به کار توزیع و تقسیم غذا به سنگرهای مدافعان خونین شهر می‌پرداختند.

معصومه رامهرمزی از دیگر بانوانی است که به همراه خواهرش در همان روزهای آغازین جنگ به همراه یکی از نیروهای ارتشی که وظیفه توزیع غذا میان رزمندگان خرمشهر را بر عهده داشت، به انتقال مواد غذایی و توزیع آن در بین رزمندگان پرداخته است وی در این زمینه می‌گوید: حدود ۲۰ مهرماه ۱۳۵۹ بود که من و صدیقه به بیمارستان امدادگران رفتیم. فرشته به ما گفت: یک ماشین ارتشی برای حمل و توزیع غذا به نیرو احتیاج دارد. ما هم با کمال میل این کار را پذیرفتیم. یک گروهیان ارتشی مسئولیت داشت که با وانت ارتش هر روز صبح از باشگاه فیروز آبادان که یکی از باشگاه‌های شرکت نفت بود و در ایستگاه دوازده کوی مصدق قرار داشت، صندوق‌های پر از غذا در ظرف‌های یک بار مصرف را تحویل بگیرد و در خرمشهر بین رزمندگان تقسیم کند. گروهیان نیاز به کمک داشت و به تنهایی نمی‌توانست این کار را انجام دهد من و صدیقه با خوشحالی این مسئولیت را پذیرفتیم».

خیاطی؛ دوخت لباس برای رزمندگان

از جمله امور دیگری که بانوان مشارکتی فعال در آن داشتند، انجام کار بافندگی، خیاطی و دوخت و دوز البسه و سایر وسایلی بود که در شرایط جوی مختلف مورد استفاده رزمندگان قرار می‌گرفت.

در هلال احمر شهر اهواز بانوان زیادی در سالن‌های بزرگ به کار دوختن البسه‌هایی چون: تونیک، شلوار و... مشغول بوده و عده‌ایی نیز که مهارتی در خیاطی نداشتند به کار تکه‌دوزی می‌پرداختند. زنان و دختران یزدی، ابرقویی و سمنانی نیز با بافتن کلاه، دستکش، ژاکت، جوراب و سایر البسه گرم به یاری جبهه‌های جنگ تحمیلی شتافتند. در استان اصفهان، جهاد دانشگاهی اصفهان در طی فراخوان و اطلاعیه‌ای اقدام به جذب نیروهای مردمی جهت کار بافندگی و خیاطی نمود که تعداد ۲۰۰۰ نفر از خواهران در سراسر استان اعلام آمادگی نموده و در اموری نظیر دوختن کیسه و انواع مختلف بافتنی‌ها مشغول شدند. در میان آنان خانمی نابینا بنام حبیبه دکمه لباس‌ها را می‌دوخت. در استان ایلام نیز زنان نقش مهمی در تهیه ملحفه و دوختن پوشاک رزمندگان برعهده داشتند. علاوه بر ستادها و مراکز ویژه خیاطی و تهیه پوشاک، خواهران در برخی مناطق اسکان جنگ‌زدگان نظیر شیراز، به دوختن لباس برای رزمندگان اقدام می‌کردند.



دوخت و دوز بانوان برای رزمندگان به موارد خاصی محدود نمی‌شد و شامل مواردی هم چون: لباس‌های رزم، کیف و کوله پشتی، ملحفه و رو بالشتی، شلوار کردی برای رزمندگان مستقر در غرب کشور، بادگیر، لباس‌های شیمیایی و... می‌شد؛ در زمینه دوخت لباس‌های شیمیایی برای رزمندگان خانم ابری می‌گوید: «قبل از آغاز عملیات کربلای ۴ خواهران شب‌های زمستان تا صبح بی‌وقفه لباس‌های شیمیایی و ماسک‌های مخصوص رزمندگان را می‌دوختند. به خاطر سردی هوا و جنس مخصوصی که این پارچه‌ها داشتند و در هوای سرد بسیار سخت می‌شدند. به خاطر همین، صبح‌ها وقتی خواهران برای نماز دست از کار می‌کشیدند، دست‌هایشان بشدت زخم شده بود».

رختشویی؛ لباس رزمندگان و ملحفه‌های بیمارستانی

یکی دیگر از اقداماتی که زنان در ستادهای پشتیبانی و بیمارستان‌های مشغول آن بودند شستن لباس‌های رزمندگان و مجروحین بود. با توجه به آن که در زمان جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه ایران هنوز بسیاری از ستادهای پشتیبانی و بیمارستان‌ها مجهز به ماشین‌های لباس‌شویی نبودند. لذا زنان به صورت داوطلبانه به این کار مشغول شدند. در این زمان بخشی از زنان که دارای تخصص امدادگری نبودند در بیمارستان‌های مناطق جنگی حضور پیدا می‌کردند و به شستن لباس‌های مجروحین و ملحفه‌های بیمارستان می‌پرداختند.

در زمینه شستن لباس‌های رزمندگان در پایگاه علم الهدی و ایثار زنان در



این زمینه زهرا محمودی می‌گوید: پایگاه علم‌الهدی در اهواز محل شست‌وشوی لباس‌های خونی رزمندگان و شهداء بود که پس از شست و شو و رفو دوباره برای استفاده رزمندگان به جبهه فرستاده می‌شدند. در آنجا خانم‌های زیادی برای شست و شوی لباس‌ها مستقر بودند ولی یکی از آنها که نوه‌اش شهید شده بود فقط لباس‌های غرق به خون رزمندگان را می‌شست. در میان این لباس‌ها، گاهی تکه از استخوان مجروحین و یا شهداء پیدا می‌شد و معمولاً او مرا صدا می‌زد و آن را به من می‌داد که داخل باغچه دفن کنم. او از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعدازظهر بجز وقت نماز و نهار مشغول شستن لباس‌ها بود نه گرما را حس می‌کرد و نه خستگی را می‌شناخت. تمام بدن او از گرما و آفتاب تاول زده بود ولی باز هم زیر سایه نمی‌نشست. شب‌ها تاول‌های بدن او را چرب می‌کردم تا کمی برای روز بعد التیام پیدا کند. هر چه به او می‌گفتم که زیر سایه بنشیند قبول نمی‌کرد و می‌گفت مگه بچه‌های رزمنده سایبان دارند که من زیر سایه بنشینم. او به این کار ادامه داد تا روزی که جنگ تمام شد.

جمع‌آوری کمک‌های مردمی

یکی دیگر از فعالیت‌های خودجوش زنان در دوران دفاع مقدس جمع‌آوری کمک‌های مردمی و تلاش در جهت تهیه اقلام پر مصرف و ضروری و سایر مایحتاج جبهه‌ها بود. خانم زهرا محمودی با ارتباط یافتن با بازار پارچه فروشان تهران، اقدام به گردآوری و تهیه پارچه، دوک نخ‌ریسی، مبلغی وجه نقد و... نموده و با یاری سایر بانوانی که غالباً از شرکت‌کنندگان در کلاس‌های قرآن و احکام مساجد بودند با کار شبانه‌روزی در زیر چادرهای برزنتی در حیاط مساجد، اقدام به تهیه البسه، آجیل، پسته، نان لواش، شکلات، شیرینی و... نموده و با کامیون به مناطق جنگی می‌فرستادند.

برخی از گزارش‌ها از جمع‌آوری مقادیر زیادی میوه، رب گوجه فرنگی، نان، حلب‌های خیار شور و غیره توسط زنان حکایت داشته و در ایام محرم بسیاری از بانوان با پخت حلوا آنها را به خط مقدم می‌فرستادند. در استان ایلام و جبهه غرب و کردستان خواهران عضو گروه انصار المجاهدین - که غالباً از قشر فرهنگی بودند - با تشکیل پایگاه‌هایی اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای جبهه نمودند.

نگهبانی و محافظت از مهمات

در پاره‌ای از مواقع نیز بانوان در جابه جایی، نگهداری، نگهبانی و حفاظت از مهمات رزمندگان نقش فعال داشته‌اند. خواهران ذخیره سپاه خرمشهر در مسجد امام صادق (علیه السلام) درحالی که خود مسلح بودند، کارحفاظت از مهمات را به صورت پست‌های نگهبانی دو ساعته بر عهده داشتند و نیز در بعضی از مواقع کار توزیع سلاح در بین نیروهای داوطلب و مردمی توسط خواهران صورت می‌گرفت.

تمیز نمودن سلاح رزمندگان، خشاب گذاری، خالی کردن بار مهمات از کامیون‌ها و... نیز از زمره فعالیت‌های تدارکاتی زنان برای جبهه‌های جنگ بود و نیز در مسجد جامع خرمشهر زنان جهت پشتیبانی رزمندگان به نگهبانی از انبار مهمات و تعمیر اسلحه و گلوله گذاری خشاب‌ها می‌پرداختند.

در مسجد سیدالشهداء (علیه السلام) خرمشهر نیز زنان به نگهبانی از مهمات می‌پرداختند. برخی از زنان در شرایط حساس بمباران‌های هوایی دشمن کامیون‌های مهمات را از منطقه خطر و تیررس به محل امن منتقل می‌کردند.

ساخت سنگر

یکی از اقدامات زنان در آغازین روزهای جنگ تحمیلی ساختن سنگر و پناهگاه بود. برپایه گزارش‌های برخی از بانوانی که در مقاومت سلحشورانه خرمشهر حضور داشته‌اند، زنان در چیدن دیوار جهت مدافعان پل خرمشهر پیش‌قدم شدند و هم چنین با پرکردن گونی‌های شنی و ساخت سنگرهای خیابانی و مجهز کردن آنها به کوکتل مولوتف در پی جلوگیری از سقوط شهر به دست دشمن بعثی برآمدند. در سایر مناطق جنگی نیز زنان در پر کردن گونی‌ها برای ساخت سنگر و تهیه کوکتل مولوتف فعال بودند.

منبع: کتاب «نقش زنان در دفاع مقدس»؛ مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی



MEHR NEWS AGENCY

Adnan Hussain

خورشید نصر

چون بر فراز بام شهادت طلوع کرد
 تقویم فصل تازه‌ی خود را شروع کرد
 خفاش را بگو که شهادت غروب نیست
 خورشید نصر تازه به لبنان طلوع کرد
 با قاتلش بگو که رقم زد هلاک خویش
 زالو اگر ز خون یلان سد جوع کرد
 نازم به قامتی که چو افتاد خم نشد
 خود در قیام بود و هم‌اینک رکوع کرد
 اسلام با صلابت رزمش به اوج رفت
 تاریخ در برابر عزمش خضوع کرد
 بیروت شاخه‌ای ز نهال بهشت بود
 پس سوی اصل پر زد و ترک فروع کرد
 لله گفت چون ازلی بود عهد او
 انا الیه خواند و به مقصد رجوع کرد
 تنها نه در برابر او دره‌ی بقاع
 هر قله‌ای که خاست ز لبنان، خشوع کرد
 عمری شهید زیست که طاقت بیاوریم
 آری علاج واقعه قبل از وقوع کرد

شاعر: افشین علا

مقاوم همچو زینب

در زیارت حضرت ابوالفضل (علیه السلام) می‌خوانیم: أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهْنِ وَ لَنْ تَنْكُلَ وَ أَنَّكَ قَدْ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ.

- گواهی می‌دهم که تو در راه شناخت وظایف سستی بخرج نداده‌ای از آنچه که مورد شناخت تو بود نکول نکرده‌ای در عین بصیرت و بینش امور خود را تدبیر کرده و گذرانده‌ای.^[۱]

- زینب (علیه السلام) در طریق وظیفه‌شناسی و گزینش هدف به این نتیجه رسید که به همراهی برادرش سیدالشهداء (علیه السلام) دنیای کهنه جاهلیت را براندازد و مردم را به نظامی نو و انسانی آشنا کند او معرفی اسلام راستین، ترویج و نشر آن و خدمت به دین را هدف قرارداد زیرا این احساس براساس هشداردهی‌های امام حسین (علیه السلام) در او پدید آمده بود که دشمنان دیرینه اسلام به قلب واقعیت‌ها پرداخته‌اند و با برنامه‌ریزی‌های کینه توزانه و دراز مدت خود در پی هدم، اسلامند که ما آن را در ماجرای استلحاق و ولیعهدی یزید دیده‌ایم.

زندگانی حضرت زینب (علیه السلام) هدفداری زینب (علیه السلام) صفحه ۱۹۷

[۱]- مفاتیح الجنان



گردآوری: کوثر پنام

کتاب زندگی فرماندهان دفاع مقدس در خانه شهید مقاومت



در میهمانی خانه مادر شهید بستام در لبنان روایت‌های او و خاطراتش برای سحر دانشور شنیدنی‌تر بود. وقتی در اتمسفر کشوری باشی که هنوز هم بقایای موشک‌باران و تخریب از درودیوار و خانه‌هایش ببارد روایت‌های مقاومت را با گوشت و پوست‌واستخوان درک می‌کنی. از روایت خداحافظی مادر و فرزندی تا ماندن تا پای جان اما روایت کتابخانه شهید، مصداقی است از پیوند میان دفاع مقدس و مقاومت. شاید اگر دانشور در کتابخانه شهید مقاومت در لبنان، کتاب زندگی‌نامه شهدای دفاع مقدس که به زبان عربی چاپ شده بود را نمی‌دید باورش نمی‌شد روح مقاومت در لبنان و فلسطین چقدر با روح دفاع مقدس درهم‌تنیده است. مادر شهید می‌گفت: پسرم علاقه زیادی به فرماندهان دفاع مقدس ایران داشت و هر ماه یکی دو کتاب از زندگی این فرماندهان به جمع کتاب‌ها اضافه می‌کرد و با شوق و علاقه آنها را مطالعه می‌کرد. دست آخر هم به آرزویش رسید و شهید مقاومت شد.



شهادت سید حسن نصرالله؛ خون تازه در رگ‌های مقاومت

دختر ۱۰ ساله کنار دستش نشسته بود و سؤال را از او هم پرسید که چرا نمی‌روید به یک جای امن؟ پاسخ دختر بچه مختصر و مفید بود. چرا برویم؟ خانه‌مان اینجا است؟ گفت:

این بمب‌ها خطرناک است. دختر ۱۰ ساله با خنده بلند جواب سحر دانشور را داد: «اینا ترقه بازیه!» در لبنان زندگی و مقاومت در پوست و استخوان هم تنیده شده است. سؤال‌ها در لبنان جواب خلق نمی‌کند! مردم لبنان و فلسطین این شیوه از زیستن توأم با مقاومت را انتخاب کرده‌اند و شهادت سید حسن نصرالله خون تازه دوانده در رگ‌های مقاومت!

گردآوری: کوثر پنام



علی علیه السلام آینه تمام نمای مقاومت از منظر نهج البلاغه



واژه مقاومت از
 ریشه «ق و م»
 است و برای آن
 معانی مختلفی
 بیان شده است، مانند:

اعتدال (زیبیدی، ۱۳۰۶ش، ج ۱۷، ص ۵۹۲؛
 رازی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۰۱۷؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۳،
 ص ۵۶۶)، ثبات و مداومت (ابن اثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۲۵)، استمرار (فراهیدی،
 ۱۴۰۹ق، ص ۶۹۴)

در اصطلاح علم فقه مقاومت به نحو عام و خاص مطلق، زیر مجموعه
 موضوع جهاد است. بدین ترتیب که جهاد بر دو نوع است: جهاد ابتدایی و
 جهاد دفاعی. و جهاد دفاعی همان مقاومت است. (مشکینی علی، ۱۳۸۴ش،
 ص ۲۴۵)

صرف نظر از معانی لغوی و اصطلاحی این روزها واژه مقاومت، کلمه نام
 آشنایی است که جایگاه واقعی اش را در اندیشه همگان پیدا کرده و دیگر تنها
 یک کلید واژه بر سر زبان ها نمی باشد در ذهن های انسان های کوچک و
 بزرگ وقتی این کلمه شنیده می شود مصادیق بارز آن که نمونه های دنیای
 امروز ما هستند به وضوح خودنمایی می کنند بزرگ مردانی همچون شهید
 قاسم سلیمانی ها و شهید سید حسن نصرالله ها به گونه ای که در کلام بزرگان
 نام محور مقاومت به آنها اختصاص یافته؛ آیا می شود گفت الگوی چنین
 انسان های بزرگی که معادلات عصر کنونی دشمنان را به هم ریخته اند جز
 قرآن و اهل بیت علیهم السلام می باشند؟

خداوند متعال ذیل آیه ۳۰ فصلت به پاداش کسانی که استقامت می کنند
 اشاره کرده و می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْأَمُوا تَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا
 وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».

در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند (استقامُوا) فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند) هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.

این آیه به روشنی پاداش جهاد مقاومت را برای آنهایی که در راه خدا پایمردی می‌کنند، بیان می‌دارد.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) نیز اسوه تام و تمام مقاومت در سرتاسر زندگی با برکتشان در کنار حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودند. تورق نهج البلاغه گویای این حقیقت است و در جای جای آن واژه مقاومت را می‌شود درک کرد. فرقی نمی‌کند در جهاد با نفس باشد یا جهاد با جان ایشان در هر زمینه‌ای گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند.

آیت الله خامنه‌ای (مد ظله) در مورد یقین به همراه مقاومت امیرالمومنین علی (علیه السلام) از کلام خود حضرت نقل می‌کنند با این دلیل که خود ایشان از هر راوی و شاهی صادق‌تر هستند و اشاره به خطبه ۵۶ نهج البلاغه دارند آنجا که حضرت می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا» در کنار پیغمبر در میدان‌های کارزار با پدران و برادران و فرزندان و عموهای خود روبرو می‌شدیم و بدون هیچ گونه تردیدی با آنها پیکار می‌کردیم، «مَا بَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقَمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْكَلَمِ وَ جِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ...» این صحنه دشوار که انسان با خویشاوند خود در راه خدا سینه به سینه شود این صحنه صبر طلب و مقاومت طلب نه فقط دل ما را نمی‌لرزاند بلکه ایمان ما را و تصدیق ما را و تسلیم ما را در ادامه این راه مردد نمی‌کرد بلکه افزایش می‌داد و نیز در ادامه همین خطبه مقام معظم رهبری (مد ظله) به خوبی وظیفه‌گرایی علی (علیه السلام) را در مقابل خدا با ایستادگی و مقاومت تمام به تصویر می‌کشند. (جاودانه تاریخ، ص ۱۰۷)

یا آنجا که حکومت را از امیرالمومنین (علیه السلام) غصب کردند گروهی حضرت را تشویق می‌کردند به قیام، ولی امیرالمومنین (علیه السلام) وظیفه خودشان را خوب تشخیص داده بودند که خطبه ۵ شاهد این مدعاست: «إِنَّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاةِ...» ای مردم، امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات درهم بشکنید، و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید این خطبه نیز شاهد ایستادگی امیرالمومنین علی (علیه السلام) برای پایدار ماندن اسلام با تمام سختی‌هایش می‌باشد و پس از این صبر و مقاومت در دوران ۴ سال و چند ماهه حکومت کوتاه خود باز با همان یقین آگاهانه و با همان صبر و مقاومت ابتدای کار حرکت کرد. بنابراین تاسی به چنین الگویی انسانی در تراز مردان مجاهد عصر ما می‌سازد مردانی که جهاد مقاومت را پیشه کارشان قرار دادند البته این حاصل نمی‌شود جز برای کسانی که اهل بصیرت و صبر و مقاومت باشند لذا همانطور که امیرالمومنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «لَا تَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ

إِلَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَالصَّبْرَ وَالْعِلْمَ [مَوَاقِعَ] مَوَاضِعِ الْحَقِّ» این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه و با استقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند.

و با همین دو ابزار بصیرت و صبر (مقاومت) می‌شود در آسمان وظیفه، اوج گرفت و پرواز کرد و می‌توان گفت در این مجال کوتاه که جز قطره‌ای از دریای نهج‌البلاغه را فرصت چشیدن نیست همین بهره اندک نیز راهگشاست چرا که تا زمانی که در دنیا ظالم هست مظلوم هم وجود دارد و تا هنگامی که مبارزه با حق و حق پرستی هست باید در راه دفاع از آرمان‌های دین و اسلام و نظام و انقلاب، محکم و مقاوم پایمردی کرد تا ثمره خون شهیدان به بار نشیند و این پرچم صبر و بصیرت به دست صاحب اصلی آن بیفتد و این نیاز به الگویی چون علی (علیه السلام) دارد.

منابع:

قرآن

نهج البلاغه

-بیانات حضرت آیت الله خامنه ای، به کوشش محمد محمدیان، جاودانه تاریخ، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ سوم.

-ابن اثیر، (۴۱۸ق)، النهایه فی غریب الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول

-رازی، محمد بن ابی بکر (۴۱۵ق)، مختار الصحاح، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

-زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۰۶ق)، تاج العروس، بیروت، مکتبه الحیاء.

-طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، بیروت، مکتب النشر الثقافه الاسلامیه، چاپ دوم.

-فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، ترتیب کتاب العین، قم، موسسه دار الهجره، چاپ دوم.

-مشکینی، علی (۱۳۸۴ش)، مصطلحات الفقه، انتشارات الهادی، قم، چاپ چهارم.

- سلمان نگهبان، رحیم ابوالحسینی، مقاله مقاومت در قرآن

گردآورنده: طاهره فلاح نژاد

آرامش ده‌ر زینب علیها السلام

مطالعه در تاریخ حیات زینب علیها السلام نشان می‌دهد که او زنی آرمان‌دار، آرمان‌خواه و با هدف است. هدفی دارد اندیشیده، بر پایه موازین اسلامی، در مسیر نظام آفرینش که مسیر رشد و کمال است و ملاک و معیار آن حق است، فطرت است، کتاب خداوند است.

او را از همان آغاز پیمانی مقدس با خدای خویش بود و آن اینکه اعلای کلمه الله را مقصد خویش قرار دهد و در این راه از بذل هیچ کوششی فروگذار نکند. او با خدای پیمان دارد که نگذارد باطل در جامعه پای گیرد و رواج یابد و چراغ حق را فروزان سازد. زورمداران، غاصبان و مفسدان را رسوا سازد و پرچم کفر و استکبار را براندازد.

او در این راه و مسیر جان خویش را دستمایه، زندگی را وظیفه، شرایط و اوضاع زمان را وسیله قرار داد و بنای خویش را بر این نهاد که با بهره‌گیری کامل به سوی مقصد بشتابد. از همان دوران کودکی خود را برای طی طریق در مسافتی بس طولانی آماده کرد و در عصر مادر و پدر به تمرین‌ها، پرداخت و در دوران امام حسن علیهما السلام به تکمیل طرح‌ها اقدام کرد و در دوران حرکت حسینی، آن را به مرحله اجرا و عمل درآورد.

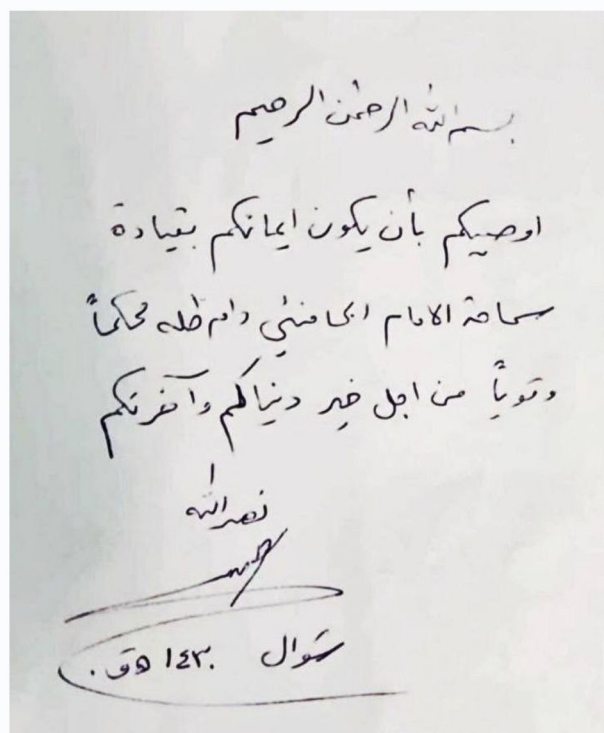
- شناخت وظیفه

اساس هدفداری بر وظیفه شناسی است مهم این است که آدمی در هر دوره و مرحله از عمر از خود بپرسد اینک وظیفه و تکلیف چیست؟ اینک چه باید کرد؟ و یا با خود بیندیشد و ببیند او را که مهره‌ای در این نظام حیات است برای چه آفریده‌اند؟ چه عرضه و توانی در اوست؟ دارای چه نقاط ضعف و قدرتی است و باید چه کند؟

چه شخصیت‌های عظیم تاریخ با چنین طرح و مقدمه‌ای به پیش رفته‌اند آنها که توانستند در میان این کهنه بازار حیات، بازار جدید و نوی را به وجود آورند بر اساس این طراحی حرکت کردند و شهدای بزرگ تاریخ در سایه چنین اقدامی جاودانه شدند.



متن وصیت‌نامه شهید سید حسن نصرالله



بسم الله الرحمن الرحيم

أوصيكم بأن يكون إيمانكم بقيادة سماحة الإمام الخامنئي (دام ظلّه) محكما وقويا من أجل خير دنياكم و آخرتكم
 برای خیر دنیا و آخرت‌تان به شما وصیت می‌کنم که ایمان‌تان به رهبری حضرت امام خامنه‌ای (که سایه‌اش مستدام باد) قوی و محکم باشد.

حرف‌های شنیدنی

بانوی بینوایی، یگانه پسرش به سفر رفته بود، و سفر او طولانی شد. او سخت نگران شده بود و به حضور امام صادق (ع) آمد و گفت: پسر من به مسافرت رفته و سفرش بسیار طول کشیده و هنوز برنگشته و بسیار نگرانم.

امام (ع) فرمودند: ای خانم صبر کن، در پرتو آن خود را نگهدار. آن بانو رفت و پس از چند روز انتظار باز پسرش نیامد، کاسه صبرش لبریز گردید و به محضر امام (ع) آمد و گفت: پسر من نیامده، سفرش طول کشید، چه کنم؟ امام (ع) فرمودند: مگر نگفتم صبر و مقاومت کن. گفت: سوگند به خدا صبرم به درجه آخر رسیده و دیگر تاب و توان صبر را ندارم!

امام (ع) فرمودند: اکنون به خانه‌ات برو که پسر تو آمده است. او سراسیمه به سوی خانه‌اش رفت، و دید پسرش از مسافرت بازگشته است، بسیار خوشحال شد و با خود گفت: مگر بر امام وحی نازل می‌شود؟ او از کجا فهمید که پسر من آمده است؟! بروم این موضوع را از خودش بپرسم.

نزد امام (ع) آمد و عرض کرد: آری همان‌گونه که خبر دادید پسر من از سفر آمده. آیا بر شما وحی نازل می‌شود که چنین خبر پنهان را دادید؟

امام (ع) فرمودند: من این خبر را از یکی از گفتار رسول خدا (ص) بدست آوردم که فرمودند: «هنگامی که صبر انسان به پایان رسید، گشایش کار او فرا می‌رسد»^(۱).

از اینکه صبر تو به پایان رسیده بود، دریافتم که گشایش مشکل تو فراهم شده است. از این رو به تو گفتم: برو که پسر تو آمده است، و خبر من مطابق با واقع گردید^(۲).

یکصد موضوع پانصد داستان

۱- عند فناء الصبر یاءتی الفرج

۲- حکایت‌های شنیدنی ۵/ ۱۴۷ - لئالی الاخبار ۱/ ۲۶۶.

هرکسی از ش هرکاری بر می‌آید باید به میدان بیاید. آقا اعلام فرض واجب کرده است. یعنی زندگی هر کسی از صبح تا شبش می‌بایست بعد از فرمان آقا به فرض واجب فرق کند. این یک شور نیست، یک حس نیست، یک تحریک نیست، یک تبیین نیست، یک برگه ماموریت است.

ما خیلی وقت بود منتظر بودیم یک‌جایی با اشقی الاشقیاء درگیر شویم. امروز لبنان با اشقی الاشقیاء درگیر است با صهیونیست‌ها، با آدم کش‌ها، با کودک کش‌ها درگیر است، آن هم در خط مقدم بخاطر ما بخاطر انقلاب اسلامی پای اسلام ایستاده.

امروز چگونه میدان داری می‌کنیم؟

افکار عمومی باید بداند چه دارد اتفاق می‌افتد، بداند که اسرائیل دستش به اینجا برسد نمی‌گذارد کسی سالم بماند. خب این یعنی چه اتفاقی؟

آن‌هایی که صدای فرمان آقا (ع) به فرض واجب به گوششان رسیده... قرارگاه‌ها زده شده؟ مسجد‌ها فعال شده؟ موبک‌ها زده شده؟ ایستگاه صلواتی‌ها برپا شده؟ ستادهای کمک رسانی فعال شده؟ گروه‌های مجازی جمع‌آوری کمک که امن و امین و امانت دار مردم‌اند شکل گرفته؟ هر کسی این روزها هرکاری می‌تواند کند، یا علی بگوید و آغاز کند.

حاج حسین یکتا



ترجمه خطبه عربی رهبر انقلاب در نماز جمعه نصر

لازم دانستم تکریم از برادرم و عزیزم و مایه فخرم، چهره محبوب دنیای اسلام، و زبان گویای ملت‌های منطقه، گوهر درخشان لبنان، جناب سیدحسن نصرالله رحمته الله علیه در نماز جمعه تهران باشد، و تذکراتی هم به عرض همه برسانم.

مخاطب این خطبه همه دنیای اسلام است، ولی ملت عزیز لبنان و فلسطین مخاطب ویژه است. ما همه در شهادت سید عزیز، مصیبت زده و عزاداریم. این، فقدان بزرگی است و جدّاً ما را عزادار کرد. البته عزاداری ما به معنی افسردگی و پریشانی و نومییدی نیست؛ از جنس عزاداری برای سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام است؛ زنده کننده، و درس دهنده، و انگیزه بخش، و امیدآفرین است.

سیدحسن نصرالله جسمش از میان ما رفته ولی شخصیت حقیقی او، روح او، راه او، و صدای رسای او همچنان در میان ما هست و خواهد بود. او پرچم بلند مقاومت در برابر اهریمنان ستمگر و غارتگر بود؛ زبان گویا و مدافع شجاع مظلومان بود؛ مایه دلگرمی و جرئت مبارزان و حق طلبان بود. گستره محبوبیت و تأثیرگذاری او از لبنان و ایران و کشورهای عربی فراتر رفته بود؛ و اکنون شهادت او این اثرگذاری را افزایش خواهد داد.

مهم‌ترین پیام گفتاری و عملی او در حیات دنیایی‌اش برای شما ملت وفادار لبنان این بود که با از دست دادن شخصیت‌های برجسته‌ای چون امام موسی صدر و سیدعباس موسوی و دیگران، ناامید و پریشان نشوید؛ در مسیر مبارزه تردید نکنید؛ بر تلاش و توان خود بیفزایید؛ همبستگی خود را دوجندان کنید؛ در برابر دشمن متجاوز و متعصّب با تقویت ایمان و توکل مقاومت کنید و او را ناکام بگذارید.

عزیزان من! ملت باوفای لبنان! جوانان پُرشور حزب‌الله! فرزندان من! امروز هم خواسته سید شهید ما از ملت‌ش، و از جبهه مقاومت، و از همه امت اسلامی همین است.

دشمن پلید و زبون چون نمی‌تواند به تشکیلات مستحکم حزب‌الله یا حماس یا جهاد اسلامی و دیگر سازمان‌های مجاهد فی سبیل‌الله صدمه‌ای جدّی بزند، ترور و تخریب و بمباران و کشتار غیرنظامیان و داغدار کردن غیر مسلّحین را نشانه پیروزی خود قلمداد می‌کند. نتیجه چیست؟ محصول این رفتار، تراکم خشم و افزایش انگیزه مردم و سر برآوردن مردان و سرداران و رهبران و از جان‌گذشتگان بیشتر، و تنگ‌تر شدن حلقه محاصره گرگ خون‌آشام، و سرانجام، حذف وجود ننگین او از صحنه وجود است، ان شاءالله.

عزیزان! دل‌های داغدار با یاد خدا و طلب نصرت از او آرامش می‌یابد؛ ویرانی‌ها ترمیم می‌شود، و صبر و استقامت شما عزّت و کرامت به بار می‌آورد.

سید عزیز، سی سال در رأس مبارزه‌ای دشوار قرار داشت؛ حزب‌الله را قدم به قدم بالا آورد: «چون کشته‌ای که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.»

با تدبیر سید، حزب‌الله مرحله به مرحله و صبورانه و منطقی و طبیعی رشد کرد و آثار وجودی خود را در مقاطع گوناگون در عقب

نشاندن رژیم صهیونی، به رخ دشمنانش کشید: «میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد».

حزب‌الله حقاً «شجره‌ی طیبه» است. حزب‌الله و رهبر قهرمان و شهید آن، عصاره فضائل تاریخی و هویتی لبنانند.

ما ایرانی‌ها از زمانی دور با لبنان و امتیازهایش آشناییم؛ کسانی چون شهید محمد بن مکی عاملی، و علی بن عبدالعال کزکی، و شهید زین‌الدین عاملی، و حسین بن عبدالصمد عاملی، و پسرش محمد بهاء‌الدین، معروف به شیخ بهایی و غیر آنها از مردان علم و دین، ایران را در دولت‌های سربداران و صفوی در قرن‌های هشتم و دهم و یازدهم هجری از برکات دانش سرشار خود بهره‌مند کرده‌اند.

اداء دین به لبنان مجروح و خونین، وظیفه ما و وظیفه همه مسلمان‌ها است. حزب‌الله و سید شهید با دفاع از غزه و جهاد برای مسجدالاقصی و ضربه به رژیم غاصب و ظالم، در راه خدمتی حیاتی به همه منطقه و همه دنیای اسلام گام برداشتند. تکیه آمریکا و همدستانش بر حفظ امنیت رژیم غاصب، پوششی برای سیاست مهلک تبدیل رژیم به ابزار آنان برای در اختیار گرفتن همه منابع این منطقه و استفاده از آن در درگیری‌های بزرگ جهانی است. سیاست آنان، تبدیل رژیم به دروازه صادرات انرژی از منطقه به جهان غرب و واردات کالا و فناوری از غرب به منطقه است و این یعنی تضمین موجودیت رژیم غاصب و وابستگی کل منطقه به آن. رفتار سفاکانه و بی‌محابای رژیم با مبارزان، ناشی از طمع به چنین وضعی است. این واقعیت به ما تفهیم می‌کند که هر ضربه به رژیم از سوی هرکس و هر مجموعه، خدمت به کل منطقه و بلکه به کل انسانیت است.

یقیناً این رؤیای صهیونی و آمریکایی، خیالی باطل و ناشدنی است. رژیم، همان شجره خبیثه کنده‌شده از روی زمین است که به گفته صدق الهی قرار ندارد. این رژیم خبیث، بی‌ریشه و مصنوعی و ناپایدار است و صرفاً با تزریق حمایت‌های آمریکا خود را بزحمت بر سر پا نگه داشته است؛ و این هم دیری نخواهد پایید؛ باذن الله.

دلیل واضح این ادعا آن است که اکنون یک سال است که دشمن با هزینه‌کرد چندین میلیارد دلار در غزه و لبنان و با کمک همه‌جانبه آمریکا و چند دولت غربی دیگر در رویارویی با چند هزار مرد مبارز و مجاهد فی‌سبیل‌الله که محصور و ممنوع از هر گونه کمک از خارجند، شکست خورده و تنها هنرشان بمباران خانه‌ها و مدرسه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز جمعیتی غیر مسلحین بوده است! امروز بتدریج خود باند جنایتکار صهیونیست هم به این نتیجه رسیده‌اند که بر حماس و حزب‌الله هرگز پیروز نخواهند شد.

مردم مقاوم لبنان و فلسطین! مبارزان شجاع و مردم صبور و قدرشناس! این شهادت‌ها، این خون‌های بر زمین‌ریخته، نهضت شما را سست نمی‌کند، [بلکه] استوارتر می‌کند. در ایران اسلامی در حدود سه ماه تابستان یک سال (سال ۶۰ هجری شمسی) چند ده شخصیت برجسته و ممتاز ما ترور شدند که یکی از آنها شخصیت بزرگی مثل سیدمحمد بهشتی بود، یکی رئیس‌جمهوری مثل رجایی و نخست‌وزیری مثل باهنر بود، علمائی از قبیل آیت‌الله مدنی و قدوسی و هاشمی‌نژاد و امثال این‌ها بودند. این‌ها هر کدام در سطح ملی یا محلی از ستون‌های انقلاب به شمار می‌آمدند و فقدانشان چیز آسانی نبود؛ ولی انقلاب متوقف نشد، عقب‌نشینی نکرد، بلکه سرعت گرفت.

امروز هم مقاومت در منطقه با این شهادت‌ها عقب نخواهد نشست؛ مقاومت پیروز خواهد شد.

مقاومت در غزه چشم دنیا را خیره کرد؛ به اسلام عزت بخشید. در غزه، اسلام در برابر همه شرارت و پلیدی سینه سپر کرده است. هیچ انسان آزاده‌ای نیست که بر این ایستادگی درود، و بر دشمن سفاک و خون‌آشامش لعنت نفرستد.

طوفان اقصی و مقاومت یک‌ساله غزه و لبنان، رژیم غاصب را به جایی رساندند که مهم‌ترین دغدغه‌اش، حفظ موجودیت خود است؛ یعنی همان دغدغه‌ای که این رژیم در سال‌های اول ولادت نحسش داشت. این بدین معنی است که مجاهدت مردان مبارز فلسطین و لبنان توانسته است رژیم صهیونی را هفتاد سال به عقب برگرداند.

عامل عمده جنگ و ناامنی و عقب‌ماندگی در این منطقه، «وجود رژیم صهیونیستی» و حضور دولت‌هایی است که ادعا می‌کنند به دنبال فضای صلح و آرامش در منطقه‌اند. مشکل عمده منطقه، «دخال بیگانگان» است. دولت‌های این منطقه قادرند صلح و سلامت را در آن مستقر کنند. برای این هدف بزرگ و نجات‌بخش، تلاش و مبارزه «ملت‌ها» و «دولت‌ها» لازم است. در این راه، خدا همراه رهروان است؛ و البته خدا بر پیروزی آنان سخت توانا است.

سلام خدا بر رهبر شهید نصرالله، و بر قهرمان شهید هنیّه، و بر فرمانده پرافتخار سپهبد قاسم سلیمانی.

معصومه را بهتر بشناسید

شهیده معصومه کرباسی اولین شهیده زن ایرانی راه قدس

شهیده معصومه کرباسی در سال ۱۳۵۹ شمسی در شهر شیرازو در یک خانواده قرآنی به دنیا آمد. نام پدرش حاج حسین کرباسی از اصحاب مسجدالنبی شیراز است.

شهیده کرباسی فارغ التحصیل رشته مهندسی کامپیوتر و از فعالان فرهنگی و رسانه ای و از نخبگان برنامه نویسی در دانشگاه شیراز بود.

این شهید عزیز سال ها با راه اندازی کانون ها، مجالس فرهنگی و دینی با نگاهی امتی به جهان اسلام نگاه می کرد.

شهیده کرباسی در دانشگاه شیراز با همکلاسی خود «رضا عواضه» آشنا و در سال ۱۳۸۲ با او ازدواج کرد. پس از ازدواج در سال ۱۳۸۳ به همراه همسرش راهی لبنان شده و در آن جا به حزب الله لبنان پیوست.

بانو معصومه کرباسی در مورخه شنبه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۳ حدود ساعت ۱۰ صبح در حالی که همراه همسرش سوار بر خودرو بودند مورد اصابت موشک پهپاد رژیم صهیونیستی قرار می گیرند، پس از برخورد اولین موشک به ماشین، دکتر رضا عواضه خودرو را متوقف و پس از پیاده شدن، دست همسرش را گرفته و به طرف حاشیه خیابان و جای امن در حال پناه گرفتن بودند که پهپاد برگشته و آن دو را با موشک مورد هدف قرار می دهد و به این گونه «مهندس معصومه کرباسی» و «دکتر رضا عواضه» عاشقانه به سوی معبود خویش پرواز کردند.

فرزندان شهیده معصومه کرباسی

حاصل ازدواج شهیده معصومه کرباسی و شهید رضا عواضه پنج فرزند است، سه پسر و دو دختر که نام های آنها به ترتیب عبارتند از:

۱- مهدی هفده ساله ۲- مهتدی چهارده ساله ۳- زهرا ده ساله ۴- محمد ۸ ساله ۵- فاطمه سه ساله

شهیده معصومه کرباسی از دیدگاه پدر

پدر شهید کرباسی در مصاحبه با سایت جهان نیوز می گوید :

دخترم معصومه در کل سه ویژگی داشت، اول به شدت مردم دوست و اهل معاشرت بود. نه تنها با خانواده بلکه با دوست، آشنا و مردم عادی هم صحبت می شد و تعامل داشت.

دوم، بسیار اهل مطالعه بود و درباره کتاب با من مشورت می کرد. بدون اغراق از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا کنون ۳۰ کتاب خواند و آخرین کتاب درباره شهید حسن تهرانی مقدم بود. که نشد درباره آن صحبت کنیم. سوم، تربیت فرزند هم برایش مهم بود و می خواست آنها با روحیه مقاومت، شجاعت و شهادت رشد پیدا کنند. و به همین خاطر هم فرزندانش را به ایران برنگرداند.

پدر شهیده کرباسی در جای دیگر در مورد ازدواج دخترش می گوید نگاهی که دخترم در مورد ازدواجش با من صحبت کرد و نظرش را متوجه شدم که می خواهد با آقای رضا عواضه که لبنانی بود ازدواج کند، با توجه به اینکه شهیده خواستگارهای زیادی داشت، و من از وضعیت جغرافیائی و سیاسی لبنان مطلع بودم، به دخترم گفتم: لبنان یک





منطقه جنگی است و درگیر
جنگ، مرتب زیر آتش و موشک
دشمن است. ولی دخترم در جواب گفت

من می‌خواهم با «آقای رضا عوضه» ازدواج
کنم چرا که او باعث رشد من خواهد شد.

یادم نمی‌رود چند شب قبل از شهادتش که با آنها
صحبت می‌کردم بهشان گفتم: وضعیت لبنان
وضعیت خطرناکی است بنابراین به ایران بیایید.
معصومه دخترم گفت: پدرجان من شوهرم را رها
نمی‌کنم و همان جا می‌مانم. همین گونه هم شد و با
شوهرش به دیدار حق و لقاءالله پیوستند.

پدر شهیده معصومه کرباسی در مصاحبه با خبرگزاری
ایسنا می‌گوید:

اگر بخواهیم از ویژگی های اخلاقی این شهیده بگوییم این که: دخترم
در تمام دوره های مختلف تحصیلی جزء برترین ها بود و به کار تحقیق و پژوهش علاقمند بود. معرفی بیش از ۵۰ گیاه
دارویی از مقالات معروف این شهیده بود.

شهیده معصومه کرباسی از نگاه دیگران

خانم نرجس عباس آبادی دوست شهیده کرباسی

به گزارش سایت صراط نیوز، هنگامی که از خانم نرجس عباس آبادی یکی از دوستان صمیمی شهیده معصومه کرباسی
مصاحبه صورت می‌گیرد، ایشان با این که حال و روز خوبی به خاطر شهادت دوست عزیزش ندارد این چنین می‌گوید:

شهیده کرباسی در جنگ ۳۳ روزه هم در لبنان ماند و به ایران نیامد. سال ۲۰۰۶ که جنگ شروع شد معصومه تازه عروس
بود، از روزی که ازدواج کرده بودند و به لبنان آمدند یک سالی می‌گذشت. با اینکه می‌توانست در آن روزها به ایران بیاید،
اما در لبنان ماند، می‌گفت می‌خواهم کنار مردم لبنان باشم و تنهایشان نمی‌گذارم.

شهادت آرزوی معصومه بود، گاه‌گاهی هم این آرزوی شیرین را به زبان می‌آورد، مثلاً همان سال ۲۰۰۶ در برابر اصرارهای
خانواده و اطرافیان که از او می‌خواستند به ایران برود جواب داد: همین جا می‌مانم، کنار مردم لبنان مقاومت می‌کنم و اگر
قسمتم بود شهید می‌شوم. پای حرفش هم ماند، تا روز آخر جنگ در لبنان بود و ترجیح داد آوارگی را به جان بخرد اما
کنار مردم باشد. علاوه بر خودش و همسرش باکی نداشت، اگر ۵ فرزندش هم در این مسیر مقدس فدایی شوند، خانم
عباس آبادی می‌گوید: «همیشه می‌گفت فرزندانم تقدیم به مقام معظم رهبری (رحمته‌الله) هستند، بسیار مؤمن و ولایتی بود. هر
جا حرفی از کار فرهنگی می‌شد معصومه اولین نفر آنجا حاضر می‌شد. زیاد می‌شنیدم که لبنانی‌ها را تشویق به یادگیری
زبان فارسی می‌کرد. می‌گفت زبان فارسی، زبان انقلاب و جمهوری اسلامی است.

مراسم دعای کمیل

دیدارهای خانم عباس آبادی و شهیده را هر هفته تازه می‌کرد. معصومه پای ثابت این جلسات مذهبی بود. آخرین بار
مراسم‌شان قبل از شهادت ابراهیم عقیل و حمله به ضایحه برپا شد. آن روز معصومه مثل همیشه سرحال نبود، صورت
مهربان و پر انرژی‌اش رنگ دلهره داشت. سر صحبت که میان‌شان باز شد، خانم عباس آبادی نشست پای حرف‌های دل
نگران دوست صمیمی‌اش. «در آن شرایط کوچک‌ترین اضطرابی برای خودش یا خانواده‌اش نداشت. نگران مردم لبنان بود.
می‌گفت حالا مردم لبنان باید خانه‌هایشان را دوباره رها کنند و آواره شوند. خانه‌هایی که ۱۸ سال برایش زحمت
کشیده‌اند، اما می‌دانم آن قدر قوی هستند که هر چه که بشود می‌گویند فدای سر سید». سید حسن نصرالله که شهید
شد، شیطنت رسانه‌های دشمن باعث شد تا بخشی از قشر خاکستری لبنان ایران را در این شهادت مقصر بدانند. معصومه
بابت این سوءتفاهم خیلی ناراحت بود، ناراحتی‌اش هم شد آخرین پیامی که برای خانم عباس آبادی فرستاد. «می‌گفت
مردم لبنان فعلاً داغدار هستند، باید صبر کنیم، آرام که شدند روشنگری کنیم، باید حرف بزنیم، باید قانع کنیم.»

همیشه حرف‌هایش مثل آب روی آتش بود. کلمه کلمه‌اش به آدم آرامش می‌داد. آن روزی که دلهره جنگ به جان خانم
عباس آبادی افتاده بود چند کلمه شهیده دلش را قرص کرد. نرجس عباس آبادی خاطراتش را به چشم برهم‌زدنی مرور
می‌کند و می‌گوید: «من تازه ازدواج کردم، می‌گفت نرجس اگر جنگ شد نترس، من هم مثل تو تازه عروس بودم که جنگ
لبنان شروع شد. تقدیر هر چه باشد همان می‌شود. وقتی هم به ایران برگشتم فقط یک سفارش داشت؛ مواظب دلت باش!»

هنوز آخرین نجوا و شاید هم وصیت معصومه در گوش نرجس مانده است: «مواظب دلت باش!» معصومه خودش حسابی حواسش به حساب و کتاب دلش بود، خوب می دانست چطور چشمه دلش را همیشه زلال و پاک نگه دارد تا یک روز کنار اسمش پیشوند شهیده بنشیند و عاقبت به خیر از دنیا برود.

مصاحبه با فرزند دوم شهید رضا عواضه و معصومه کرباسی در مورد روز شهادت والدینش

گفتگو و مصاحبه گزارش گر سایت جهان نیوز با فرزند دوم و ۱۴ ساله شهیدان عواضه و کرباسی، «مُهتدی عواضه» به صورت تلفنی ساعتی قبل از تدفین پدر شهیدش دکتر رضا عواضه در لبنان صورت گرفته که خلاصه آن در زیر با هم مرور می کنیم:

وقت مصاحبه را که مقرر کردیم، شرمندۀ بودم از اینکه تماس بگیرم، به هر حال داغ سنگینی بود و فرد پشت خط عزیزترین دارایی هایش را ازدست داده بود. اولین بارم نبود که چند ساعت بعد از حادثۀای با خانواده شهدا صحبت می کردم اما این، بار اولی بود که می خواستم با پسر نوجوانی حرف بزنم که در یک ثانیه، هم پدرش و هم مادرش شهید شده بودند. اصلاً چه باید می پرسیدم؟! اگر سؤالی پریشانش می کرد چطور باید آرامش می کردم؟!

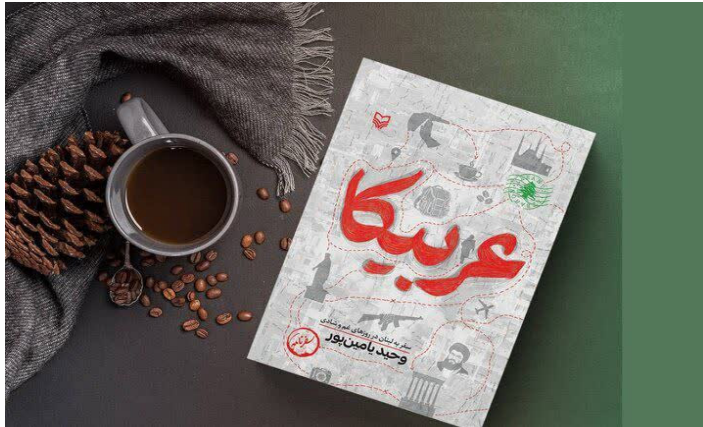
بعد از چند بوق آزاد، صدای پر از آرامش و باصلابت مهتدی روی خط نشست و باید اعتراف کنم از صلابت و مقاومتش جا خوردم. چند دقیقه بعد میان صحبت هایش راز این همه صبوری را برایم فاش می کند. این مقاومت و صلابت ارثیه پدر و مادر برای آنهاست، حتی خواهر و برادر کوچک ترش، زهرای ۱۰ ساله و محمد ۷ ساله هم در سوگی که به جانانشان نهشته همین قدر صبور و آرام هستند.

خانم کرباسی و آقای عواضه کجا می رفتند؟!

بعد از ویدئوی تعقیب خودرو خانم کرباسی و همسرش توسط پهپاد، اولین سؤالی که در ذهنم نشست این بود که شهید و شهیده کجا می رفتند؟! مسیرشان به کجا ختم می شد که ناتمام ماند؟! سؤالم را از مهتدی می پرسم و او با کلمات فارسی شمرده، شمرده که با لهجه لبنانی عجیب شده است جوابم را می دهد: « ۲۰ روزی می شد که ما خانه مان را در بیروت ترک کرده بودیم و در یکی از هتل های جونیۀ زندگی می کردیم. یک اتاق دو خوابه که خانواده ۷ نفره ما و خانواده پدری ام در آن می ماندیم. پدرم طبق معمول آن روز نماز صبحش را خواند، قهوه اش را با مادر خورد و برای رفتن به سرکار آماده شد، مادر هم همراهشان رفت تا سری به خانه بزند و لباس های ما را بشوید. تقریباً ۱ ساعت بعد از آن که از خانه رفتند شهید شدند.»

به نقل از سایت شهید و شاهد





عربیکا

وحید یامین‌پور برای بسیاری از ما نام و چهره‌ای آشنا دارد. همین چهره آشنا و قلم آزموده در نگارش رمان، ما را وامی‌دارد تا کتاب را از روی قفسه‌های کتابفروشی برداریم.

کتاب عربیکا، هم‌نام قهوه ملایم و محبوب این روزها است. قهوه‌ای با تلخی کمتر و اندکی مزه آجیلی. نویسنده هم در این کتاب همین‌طور قلم‌زده است. او به لبنان جنگ‌زده و عزادار رفته اما تنها چیزی که در متن روایتش نمی‌بینیم تلخی است

کتاب از لحظه‌ای عجیب شروع می‌شود. لحظه‌ای که راوی ده روز پس از شهادت سیدحسن نصرالله به بیرون رسیده است و حالا جای خالی او را نه فقط در این شهر که در قلبش احساس می‌کند. یامین‌پور ما را هم‌قدم با تخیلاتش عازم سفرهای قبلی‌اش به این شهر می‌کند. سفری بیست و یک ساله قبل و ملاقاتش با سید مقاومت.

فلش‌بک اگرچه رویه مرسوم سفرنامه‌نویسان نیست اما در این کتاب خوش نشسته است. شاید ما هم به عنوان خواننده مانند یامین‌پور جوان با کوله‌باری از کلیشه‌های ذهنی و پیش‌داوری‌ها پای مطالعه این کتاب نشستیم. شاید ما هم احتیاج داریم قبل از عمیق‌تر شدن در روایت مقاومت لبنان، رنگی تازه با تفکرات‌مان بزنیم.

یامین‌پور در این کتاب راوی سفرش به لبنان در لحظه صفر فاجعه است. لحظاتی پس از قتل‌عام بیمارستان المعدانی و چند روزی پس از شهادت سیدحسن نصرالله. در ثانیه‌هایی که مردم بی‌گناه فلسطین و لبنان به جرم آزادی‌خواهی و حق‌خواهی با بمب‌های چند تنی به قتل می‌رسیدند، او به آن‌جا و یا جایی نزدیک‌تر رفته است تا برای ما «مقاومت» را روایت کند. مقاومتی نه فقط برای زنده ماندن بلکه برای زنده نگه‌داشتن رویای آزادی، حتی پس از گذشت هفتاد سال از یوم نکبت.

عربیکا داستان مواجهه نویسنده با مردم لبنان است. مردمی که سه بار خانه‌هایشان ویران شده و آن را دوباره ساخته‌اند، زن و فرزند و همسر از دست داده‌اند، مقتدا و رهبرشان ترور شده است اما با مشت‌هایی گره کرده فریاد می‌زنند: «حسبی الله»

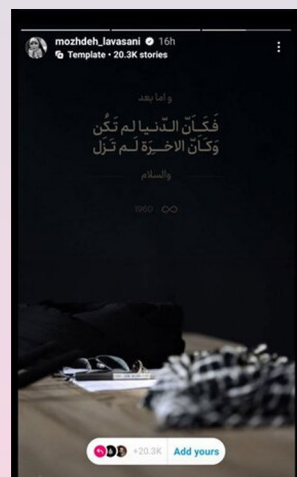
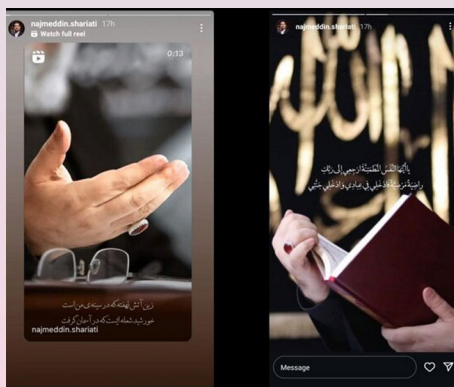
یامین‌پور کوشیده است این کتاب هم برای مخاطب بی‌اطلاع از روزگار و تاریخ خواندنی باشد، هم مخاطب پیگیر اخبار و اهل تاریخ. هر جا که احساس کرده ممکن است نام شخصی به گوش و چشم مخاطب آشنا نباشد یا درباره واقعه‌ای اطلاع نداشته باشد، توضیح مفصل با طراحی بصری متفاوت از متن اصلی کتاب، آورده است. به همین دلیل است که حتی یک نوجوان از جهان بی‌خبر وقتی به اسم «شارون»، قصاب صبرا و شتیلا می‌رسد احتیاجی به سرچ اینترنتی و پرس‌وجو ندارد. کافی است به صفحه بعدی نگاه کند تا بفهمد رژیم صهیونیستی چطور با خون تعمیم یافته است.

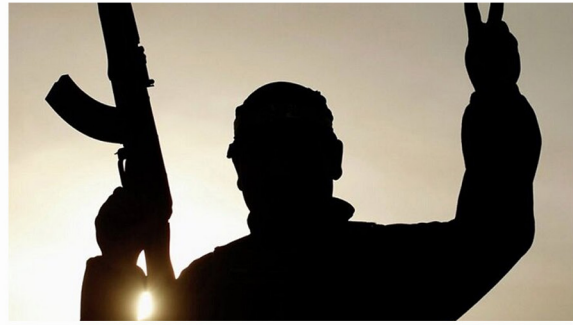
عربیکا تلاشی برای فضاسازی از خود لبنان به‌عنوان یک جغرافیا و به تصویر کشیدن زیست روزمره مردم نکرده است. عکس‌های بسیار کمی دارد و همان‌ها هم کمکی به مخاطب برای تصویرسازی فضای لبنان نمی‌کند. ما با مطالعه این کتاب، دیدی درباره «لبنان» به دست نمی‌آوریم. به نظر می‌رسد نویسنده هم به دنبال این نیست. او به لبنان آمده تا راوی «مقاومت» لبنان باشد. او لحظات رعب‌انگیز بمباران را لای زَرورق شوخ‌طبعی پیچیده و تلخی شهادت سیدحسن نصرالله را با شیرینی صبر و صلابت مردم لبنان تعدیل کرده است.

فاطمه شریفی. خبرنگار

واکنش برخی چهره‌ها به شهادت سید حسن نصرالله







مقاومت در قرآن کریم و مصادیق آن در فقه سیاسی

مقاومت در لغت به معنی ایستادگی، پایداری و استقامت است. مقاومت کردن یعنی پایداری کردن، ایستادگی کردن، ثبات ورزیدن، پافشاری کردن. مقاومت به معنی پیگیری، پافشاری و مطالبه یک حق توسط مردمانی است که از نظر قدرت سیاسی در اقلیت قرار دارند. به بیان دیگر در شرایطی که حقوق گروه‌هایی از یک جامعه یا کشوری از کشورهای جهان به دلیل تطابق نداشتن با منافع جریان اجتماعی و سیاسی حاکم پایمال شود و حاکمان به پیشنهاد قدرت سیاسی، نظامی، رسانه‌ای و اقتصادی خود درصدد تضییع آن برآیند به تلاش‌هایی که از سوی حق‌طلبان برای بازپایی حقوق از دست رفته خود صورت می‌گیرد، اصطلاحاً مقاومت یا پایداری گفته می‌شود. مقاومت بر کلیه واکنش‌هایی اطلاق می‌گردد که ممکن است به شکل تدابیر اجرایی و بازدارنده باشد و گروه یا سازمان یا فردی در رویارویی با تهدیدها و خطرهای تجاوزهای خارجی یا داخلی با آن روبرو می‌شود.

مقاومت در قرآن کریم

در قرآن کریم مقاومت به معنای اصطلاحی آن از امر به صبر (آل عمران: ۲۰۰)، امر به استقامت (شوری: ۱۵ و هود: ۱۱۲)، و امر به ثبات قدم (مقاومت) (بقره: ۲۵۰ و آل عمران: ۱۴۷ و انفال: ۱۱ و ۴۵) به دست می‌آید. خداوند مقاومت را ایستادگی در مقابل دشمنان تعریف می‌کند. چنانچه در سوره بقره آیه ۲۵۰ خداوند در داستان مبارزه طالوت با جالوت، سیره مردان مبارز را مقاومت در برابر دشمنان می‌داند.

اهداف مقاومت در قرآن

۱. استقرار حکومت اسلامی

از مهم‌ترین اهداف مقاومت و جهاد در راه خدا امت‌سازی و برپایی حکومت اسلامی است. چنانکه مفسران حاکمیت دین را در آیه ۱۹۳ سوره مبارکه بقره و آیه ۳۹ سوره مبارکه انفال «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» به «استقرار شریعت اسلام»، (طنطاوی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۲)، «استقرار اطاعت خدا و شرع» (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۶۴)، «استقرار طاعت و عبادت خدا» (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱۴)، «انقیاد و تسلیم مداوم برای خدا» (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۲۵)، «استقرار اسلام»، «اعلای کلمه الله» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۰)، و «پیروزی و برتری دین خدا بر ادیان» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۸۸؛ طنطاوی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۲)، تفسیر کرده‌اند. بنابراین، هدف اصلی مقاومت نابودی شرک و کفر و حاکم کردن قانون خدا و شریعت اسلام در جامعه اسلامی و خارج نمودن مردم از بردگی غیر خداست.

از این رو سید قطب بر این باور است که هدف یاد شده جز با تاسیس نظام و حکومت اسلامی محقق نمی‌شود. (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۵۵۵)، وی، در ذیل آیه ۱۹۳ بقره می‌نویسد: «اسلام حق دارد مردم را از پرستش غیر خدا خارج و به پرستش خدای یگانه درآورد تا ربوبیت (قانون‌گذاری) خدا را اعلان و مردم را آزاد نماید. وی بر این باور است که عبادت خدا جز با تشکیل نظام اسلامی صورت واقعی پیدا نمی‌کند». (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۴۴۳)

۲. دفاع از نظام اسلامی مستقر

از قرآن کریم استفاده می‌شود که حفظ جامعه اسلامی از انحراف، تکلیفی جمعی و الهی است و مسلمانان در قبال آن در پیشگاه خداوند مسئولند. چنانکه آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده بر آن دلالت دارد. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، صص ۱۶۲-۱۶۴)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» خطاب «كُم» «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ» جمعی و نشانه اجتماعی بودن وظیفه و به این معناست که مومنان باید در ایمان خودشان مقاومت

و از آن چه مربوط به جامعه مومنان است مراقبت کنند. آنان با مقاومت خود، از آسیب‌های گمراه‌کننده دشمن که در صدد زیان و آسیب رساندن به آنان است مصونیت می‌یابند «لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ». و در پایان با جمله «إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا، فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» برای حسن انجام وظایف، به جامعه اسلامی هشدار می‌دهد که بدانند به نزد خدا بر می‌گردند و اگر در وظایف خود کوتاهی کنند به اعمالشان رسیدگی دقیق می‌شود. برخی از مفسران با بیان اینکه: مراقبت و دفاع از نظام اسلامی پس از استقرار آن لازم است می‌نویسد: «هنگامی که امت، نظام (اسلامی) را در زمین مستقر کرد، باید تمام بشر را (به اسلام) دعوت و برای هدایت مردم چاره‌اندیشی کند. باید برای برپا کردن عدالت، جامعه را رهبری کند تا از (بازگشت آن‌ها به) گمراهی و جاهلیتی که از آن خارج شده‌اند، جلوگیری کند». (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۹۲).

۳. بازدارندگی

یکی از اهداف مهم مقاومت بازدارندگی است. بازدارندگی به معنای مجموعه‌ای از تدابیر است که هدف آن اقناع دشمن نسبت به این امر است که اگر بخواهد وارد جنگ، اقدام اقتصادی یا اقدام سیاسی علیه نظام اسلامی شود ضرر خواهد کرد و دریابد که خسارت این کار، از سود احتمالی آن برای دشمن بیشتر است. (لطیفی پاکده، بی تا، ص ۳۴؛ کتاب-خانه دیجیتال نور). قرآن کریم واژگان: «دفاع» و «اعتداء به مثل» را برای بازگوکردن مقاومت با هدف بازدارندگی به کار برده است.

- دفاع: بر اساس آیه ۲۵۱ سوره مبارکه بقره: «وَلَوْ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» دفاع برای پاک‌ی زمین از فساد و بر اساس آیه ۴۰ سوره مبارکه حج «وَلَوْ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» دفاع برای تحفظ از عبودیت خدا و مراکز عبادی است. برخی دفاع را امری غریزی دانسته که به وسیله آن تجاوز دفع می‌شود تا زمین را تباهی فرا نگیرد. بر این اساس هدف دفاع به معنای مقاومت در برابر دشمن بازدارندگی است. برخی از مفسران، مراد از دفاع در این آیه را، جهاد برای دفع فساد، بازدارندگی و خشکاندن ریشه و سرچشمه فساد دانسته (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۸۱) و برخی نوشته است: دفاع بعضی از مردم از بعضی، مفسد را از فکر فساد (جنگ و تجاوز) باز می‌دارد. (ابن عاشور، بی تا، ج ۲، ص ۴۸۰). با این بیان، دفاع با هدف پیش‌گیری از فساد فی الارض (بقره: ۲۵۱)، حفظ اماکن مقدس از تخریب و نجات سرزمین‌های اسلامی از دست دشمن (حج: ۴۰) است.

- مقابله به مثل: مقابله به مثل یکی از راه‌های بسیار موثر در بازدارندگی از تجاوز و جنایت است. از این رو قرآن کریم در آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره، به مقابله به مثل فرمان داده است: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»؛ «پس هرکس بر شما تعدی کرد، شما نیز به مثل آن بر او تعدی کنید». بسیاری از مفسران از جمله: بیضاوی (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۲۸)، ذیل آیه ۱۹۴ سوره بقره، ابوحیان اندلسی، (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۴۹ و ۲۵۰) و ابن کثیر (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۹۰) به عمومیت مقابله به مثل در هر شرایط و موردی اذعان کرده‌اند. برخی مانند زحیلی با بیان ثبات و دائمی بودن مقابله به مثل آن را به شرائطی مانند تقوی، فضیلت، حقوق شهروندی و انسانی مقید دانسته است. (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۸۰).

۴. دفاع از مستضعفان

آیات ۷۵، ۹۷ و ۹۸ سوره مبارکه نساء به موضوع مقاومت برای دفاع از مستضعفان پرداخته است. در آیه ۷۵ مسلمانان را به جهت ترک قتال و مقاومت در راه خدا با هدف دفاع از مستضعفان توبیخ کرده است. از منظر این آیه مستضعف، مردان، زنان و کودکانی هستند؛ که گرفتار دژخیم و سرزمین کفر شده و برای نجات خود از پروردگار استمداد کرده و رهبری الهی و دست‌یابی به پیروزی را از جانب پروردگار خود طلب می‌کنند. فخر رازی بر اساس آیه یاد شده جهاد (رهایی بخش) را واجب دانسته و در شرایطی که زنان، مردان و کودکان زیر ستم به نهایت ناتوانی رسیده‌اند، هیچ عذری در ترک آن جهاد پذیرفته نیست. (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۴۱)

در آیات ۹۷ و ۹۸ سوره مبارکه (نساء) از دو گروه مستضعف یاد کرده است.

۵. تامین امنیت جامعه

در قرآن کریم از امنیت به معنای آرامش خاطر (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰) و ضد ترس (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۱) با عناوین سکینه، (توبه: ۲۶)، اطمینان (نحل: ۱۱۲) استفاده شده است. در آیه ۱۱۲ سوره مبارکه نحل، الگوی توسعه و تمدن قرآنی، شهرپرور خردمند از امنیت معرفی شده است «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مَطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» «و خداوند مثلی زده است شهری که از آسیب‌ها در امان بود و مردمش در آن آرامش داشتند و روزی‌اش از هر سو به خوبی و فراوانی به آن می‌رسید، ولی نعمت‌های خدا را ناسپاسی

کردند، و خدا هم به سزای کارهایی که می‌کردند فراگیری گرسنگی و ترس را به آنان چشانید.

از این رو یکی از اهداف اساسی مقاومت در نگاه قرآن تحقق امنیت به عنوان رکن زندگی است. برخی بر اساس آیه ۱۹۴ بقره نوشته‌اند: «باید در برابر دشمن مقاومت کرد تا از ستم، تجاوز، فتنه و آزاررسانی او جلوگیری شده و امنیت و آسایش مردم تامین گردد». (مراغی، بی تا، ج ۲، ص ۹۳). بر این اساس مقاومت برای رفع خوف و تامین امنیت جامعه اسلامی واجب است. افزون بر آن بر اساس آیه ۴ سوره مبارکه فتح، «هُوَ الَّذِي أَنزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْذُوا إِيمَانَهُمْ»؛ «اوست آن که آرامش را در دل‌های مؤمنان پدید آورد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند»، که در شأن رزمندگان حدیبیه نازل شده است، امنیت روانی رزمندگان نیز لازم و یکی از عوامل پیروزی دانسته شده است. (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۱۵۵)

مصادیق مقاومت در فقه سیاسی

امام خمینی رحمته الله علیه در فصل مربوط به دفاع در تحریر الوسیله، مباحث دفاع و مقاومت را منحصر به دفاع نظامی ندانسته و آن را به عرصه‌های مختلف اجتماعی سرایت داده‌اند و از آن نتیجه فقهی گرفته‌اند. ایشان در مساله دیگری از این فصل، بیان می‌کنند که اگر برخی دولت‌های اسلامی، موجبات تسلط کفار بر مسلمانان را فراهم نمودند، بر آحاد مسلمانان واجب است که در برابر این عمل، مقاومت نموده و دولت اسلامی متخلف را وادار به اصلاح امر نمایند و درجای دیگر بیان می‌کنند که اگر روابط سیاسی دولت‌های اسلامی با بیگانگان موجب استیلاي آنان بر بلاد مسلمین یا نفوس و اموالشان شود یا موجب اسارت سیاسی مسلمین گردد، بر رؤسای دولت‌ها حرام است که چنین روابط و مناسباتی داشته باشند و پیمان‌هایشان باطل است و بر مسلمین واجب است آن‌ها را ارشاد کنند و آنان را به ترک اینگونه روابط ملزم نمایند.

از مصادیق مقاومت در فقه سیاسی را می‌توان، دفاع از ملت‌های مظلوم دانست. دفاع از ملت‌های مسلمان و مظلوم در برابر هجوم نظامی تجاوزگران، که حمایت از ملت مظلوم فلسطین در برابر اشغالگری صهیونیست‌ها و دفاع از کشورهای اسلامی مورد هجوم تکفیری‌ها و جبهه مقاومت در زمان حاضر از مصادیق بارز این نوع مقاومت است و این همان چیزی است که تحت عنوان «دفاع» در کتاب الجهاد مطرح می‌شود که می‌توان علاوه بر ادله وجوب جهاد دفاعی در کتاب الجهاد، به قاعده نفی سبیل هم استدلال کرد. قاعده نفی سبیل یا نفی سلطه از نص قرآن اتخاذ شده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» نساء ۱۴۱ مفهوم آیه این است که مومنان باید از برقراری روابطی که موجب سلطه‌ی کافران بر آن‌ها می‌شود، اجتناب کنند.

امام خمینی رحمته الله علیه در تحریر الوسیله می‌فرماید: چنانچه نسبت به یکی از دولت‌های اسلامی، خوف حمله از سوی بیگانگان وجود داشته باشد، بر همه دولت‌های اسلامی واجب خواهد بود که با هر وسیله ممکن به دفاع از آن دولت بپردازند کما اینکه [این دفاع] بر بقیه مسلمانان نیز واجب می‌باشد.

مصادیق بعدی ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی مستکبران است. ایستادگی در برابر سلطه عملی و فکری استکبار و نظام سلطه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و ..

صدور و گسترش فرهنگ مقاومت در جهان از دیگر مصادیق مقاومت است که هدف آن آگاهی بخشی به ملت‌های دنیا و صدور و گسترش فرهنگ مقاومت در جهان است. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.

بنابراین حرمت اطاعت و تبعیت از طاغوت‌ها و مستکبران؛ همان چیزی که قرآن کریم از آن تعبیر به «جهاد کبیر» می‌نماید. در سوره مبارکه فرقان می‌فرماید: پس، از کافران اطاعت نکن، و با این سر باز زدن و عدم تبعیت، با ایشان به جهادی بزرگ بپرداز. (فرقان: ۵۲)

منابع:

- ۱- فرهنگ معین، ص ۴۲۸۶
- ۲- مقاله طراحی الگوی مقاومت، ص ۱۷۸
- ۳- مقاله جایگاه و اهداف مقاومت اسلامی از دیدگاه مفسران؛ با تاکید بر آیات جهاد، ص ۶۰ و ۶۳
- ۴- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ص ۴۸۶
- ۵- سایت وسائل: بررسی مصادیق مقاومت در عرصه‌های مختلف فقه سیاسی

گردآوری: نیره سادات محمدی



شیرزن مقاومت

فاطمه مغنیه: مادر من یک زن فوق العاده است.

فاطمه (دختر شهید عماد مغنیه) می گوید: مادر من یک زن فوق العاده است. خبر شهادت بابا که رسید رفت و دو رکعت نماز خواند. همه ما را مامان آرام کرد. بدون اینکه حرفی مستقیم به ما بزند وقتی دید در مواجه با پیکر بابا بی تاب شده ایم خطاب به بابا گفت: "الحمد لله که وقتی شهید شدی کسی خانواده ات را به اسارت نگرفت و به ما جسارت نمی کند". همین یک جمله ما را آن قدر خجالت داد که آرام شدیم.

بعد خودش رفت و وقتی مراسم تشییع برگزار می شد یک ساعت در قبری که برای بابا آماده کرده بودند ماند و قرآن و زیارت عاشورا خواند.

خبر شهادت جهاد را هم که شنید همین طور.

دلم سوخت وقتی جهاد را دیدم.

مثل بابا شده بود.

خون ها را شسته بودند ولی جای زخم ها و پارگی ها بود، جای کبودی و خون مردگی ها.

تصاویر شهادت بابا و جهاد با هم یکی شده بودند و یک لحظه به نظرم رسید من دیگر نمی توانم تحمل کنم.

باز مادر غیرمستقیم ما را آرام کرد.

صورت جهاد را بوسید و گفت: "ببین دشمن چه بلایی سر جهادم آورده. البته هنوز به اربا اربا شدن علی اکبر حسین (علیه السلام) نرسیده."

باز خجالت آرامان کرد.

مقاومت در احادیث

صبر و استقامت در زندگی درخشان پیامبر ﷺ به قدری آشکار و گسترده بود، که در سراسر زندگیش. در عرصه های مختلف دیده می شد. به عنوان نمونه، آن حضرت در سال های آغاز بعثت آن چنان شاگردان صبور و پر استقامت پروراندن بود، که در برابر سخت ترین شکنجه ها استقامت می کردند، افرادی مانند: بلال حبشی، عمار یاسر، یاسر، سمیه و... تا آنجا که یاسر پدر عمار، و سمیه مادر عمار در تحت شکنجه به شهادت رسیدند.

یاسر و سمیه با این که در سن پیری بودند، آن چنان مقاومت کردند، که داغ حسرت عجز در برابر دشمنان را در دل آنها نهادند و سرفرازانه شهد شهادت نوشیدند، روزی پیامبر ﷺ در کنار آنها که شکنجه می شدند عبور کرد، خطاب به آنها فرمود: «صَبْرًا آلِ يَاسِرٍ، مَوْعِدُكُمْ الْجَنَّةُ؛ ای آل یاسر! صبر و مقاومت کنید که وعده گاه شما بهشت است.»^۱ در فراز دیگر می خوانیم: سران شرک توسط ابوطالب برای پیامبر ﷺ پیام دادند که دست از کار خود (تبلیغ اسلام) بردار، و در این پیام شدیدترین تهدیدها را نمودند، و در ضمن گفتند اگر محمد ﷺ با ما مماشات و سازش کند، عالی ترین مقام ها را در اختیارش می گذاریم، و گرنه در سخت ترین شکنجه ها قرار خواهد گرفت... ابوطالب پیام آنها را به پیامبر ﷺ رسانید، پیامبر ﷺ به ابوطالب فرمود: «ای عمو! اگر مشرکان خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار دهند تا من دست از تبلیغ اسلام بکشم، هرگز چنین نکنم تا اسلام پیروز گردد، و یا در این راه کشته شوم.» ابوطالب پیام پیامبر ﷺ را به مشرکان ابلاغ کرد و قاطعانه به مشرکان گفت: «سوگند به خدا محمد ﷺ هرگز دروغ نگفته، بنابراین تسلیم نمی شود، بروید و در حالی که تسلیم به اسلام شده اید برگردید.»^۲

۱- الغدير، ج ۹، ص ۲۰.

۲- همان، ج ۷، ص ۳۵۴.

صبر و استقامت حضرت علی (علیه السلام) در همه دوران های زندگیش، به راستی عجیب و بی نظیر است. مقاومت او در جنگ های صدر اسلام، مقاومت او در برابر منافقان، استقامت او در عصر خلافت خودش در جنگ های ناخواسته همچون جنگ جمل، صفین و نهروان، هرکدام آینه شفاف برای نشان دادن استواری و مقاومت است. از ذکر آنها صرف نظر نموده تنها به این سخن از او می پردازیم؛ آن حضرت در برابر حوادث بسیار تلخ و خطیر بعد از رحلت پیامبر ﷺ می فرماید:

«فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاطَا أَحَجَى، فَصَبَرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَى؛ دیدم صبر و استقامت به عقل و خرد نزدیک تر است، از این رو با این که همانند کسی بودم که خاشاک چشمش را فرا گرفته، و استخوان در راه گلویش گیر کرده، صبر و استقامت نمودم.»^۱

حضرت علی (علیه السلام) بعد از پیامبر ﷺ با سخت ترین حوادث روبرو شد که اگر بر کوه وارد می شدند، فرو می ریخت، آن حضرت در برابر حوادث فرسا دو رکعت نماز به جا می آورد، و این آیه را می خواند: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ؛ از صبر و نماز یاری جویید.»^۲ و در پناه نماز و قرآن، مقاومت می کرد.

مقاومت او در راه خدا به گونه ای بود که وقتی ضربت شهادت بر فرق سرش رسید، به جای آه و ناله نام خدا را به زبان آورد و سپس فرمود: «فُتُّ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ؛ به خدای کعبه سوگند پیروز و رستگار شدم.»^۳

۱- نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲- سوره بقره، آیه ۴۵.

۳- منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۲۸.

ماه فرصتی

۱۰ توصیه کاربردی

حضرت آیت الله خامنه‌ای برای بهره‌برداری مومنانه از ماه مبارک رمضان:

حضرت آیت الله خامنه‌ای ماه مبارک رمضان را «ماه فرصتها» می‌دانند. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR در این اطلاع‌نگاشت ۱۰ توصیه کاربردی رهبرانقلاب اسلامی را برای بهره‌برداری از این فرصت عظیم الهی مرور می‌کند.



استفاده از
فرصت سحر

۱۳۹۸/۰۲/۱۰



روژه خوب با همه
اعضا و جوارح

۸۵/۰۶/۲۵



تمرین دوری
از گناه

۷۸/۰۹/۲۶



توبه از گناهان
واشتباهات

۸۹/۰۵/۲۷



استفاده حداکثری
از لیلۃ القدر
باتوسل و ذکر

۷۴/۰۷/۲۹



ارتباط با خدا
از طریق دعاها

۷۸/۰۶/۲۹



رفع بیماری‌های
روحی همچون بخل
و بدخواهی و تنبلی

۷۱/۱۲/۰۴



تلاوت قرآن
باتدبیر

۸۶/۰۶/۲۳



کمک مؤمنانه
به نیازمندان
و فقرا

۹۹/۰۱/۲۱



تلطیف روابط انسانی
با خیرخواهی و
ایجاد محبت

۹۳/۰۴/۱۱



مقاومت زنانه در غزه

فرهیختگان: بدون زنان مقاوم، مقاومت مردان نه شکل می‌گیرد و نه ادامه می‌یابد. امروز بزرگترین قاب مقاومت ملی، متعلق به ملت فلسطین است. آنها در نوار غزه ۲۲ هزار شهید و ده‌ها هزار زخمی تقدیم «آرمان فلسطین» کرده‌اند. ۱.۸ میلیون نفر یا سه‌چهارم جمعیت‌شان آواره شده است. با این حال در هشتاد و هشتمین روز جنگ، مقاومت در غزه محاصره شده و ویران که پیش از جنگ هم به بزرگترین زندان جهان مشهور بود، ادامه دارد. مادران خانواده‌های فلسطینی ساکن غزه در درون این منطقه کوچک آواره شده‌اند. بدون خانه با ساده‌ترین وسایل مانند تکه‌ای چادر یا چسباندن چندین نایلون به هم، محلی برای اسکان موقت خانواده خود ساخته و در غیاب مردان که در جست‌وجوی غذا، مبارزه یا یافتن عزیزان‌شان در خرابه‌ها هستند، زندگی را به سختی هرچه تمام‌تر اداره می‌کنند. اگر صبر این زنان نبود، با اتمام ظرفیت تحمل آنها و برخاستن شیون کودکان، کار مبارزه مردم فلسطین تمام می‌شد، بدون پیروزی و با تداوم تحقیر و بدبختی طولانی‌مدت این ملت. این زنان در همه صحنه‌های مبارزه حضور دارند. در جریان نخستین تبادل اسرا طی آتش‌بس موقت در حین جنگ، حضور زنان گردان‌های نظامی عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس توجه رسانه‌ها را جلب کرد. پس از این تصویر، زنان آزاده فلسطینی که به دنبال تبادل، رها شده بودند، در کرانه باختری موج دیگری از امید آفریدند. در این گزارش تلاش شده به تعدادی از برجسته‌ترین زنان مبارز فلسطینی که در رسانه‌ها مشهور شده‌اند، پرداخته شود.

۱- میسا عبدالهادی

میسا عبدالهادی بازیگر زن فلسطینی است که پس از عملیات ۷ اکتبر، به دلیل حمایت از حماس به صورت موقت دستگیر شد. عنوانی که او در حساب کاربری‌اش در یکی از شبکه‌های اجتماعی به کار برده بود، حکایت از همانندسازی بین تخریب دیوار غزه و دیوار برلین بود. عبدالهادی در این خصوص نوشته بود «بیاید آن را به سبک برلین انجام دهیم.» به دنبال این اقدام موشه ارل، وزیر کشور رژیم صهیونیستی خواستار سلب تابعیت از این بازیگر شد.

عبدالهادی از فلسطینی‌هایی است که صهیونیست‌ها به آنها «عرب اسرائیلی» می‌گویند. سرزمین فلسطین به دو بخش ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ تقسیم می‌شود. سرزمین ۱۹۴۸ مرزهای رسمی رژیم صهیونیستی است و سرزمین‌های ۱۹۶۷ که از کرانه باختری و نوار غزه تشکیل شده، به عنوان مرز رژیم به شمار نمی‌رود بلکه بر اساس توافقات قرار بوده در این دو بخش کشور فلسطین در کنار رژیم صهیونیستی تشکیل شود. با وجود تلاش صهیونیست‌ها برای اخراج ساکنان فلسطینی سرزمین ۱۹۴۸ به ویژه در ابتدای تاسیس رژیم که به اخراج ۵۰۰ هزار فلسطینی نیز انجامید، همچنان عده‌ای از فلسطینی‌ها در این بخش باقی ماندند که جمعیت آن‌ها به ۱.۸ تا ۲ میلیون نفر رسیده است. این تعداد ۲۰ تا ۲۵ درصد کل جمعیت رژیم صهیونیستی را تشکیل داده و اوراق هویتی این رژیم را دارند. این بازیگر زن در شهر ناصره به دنیا آمده است که به «پایتخت عربی اسرائیل» مشهور است. ناصره به عنوان مرکز فرهنگی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و تجاری برای شهروندان عرب اسرائیل و همچنین مرکز ناسیونالیسم عربی و فلسطینی است. ۷۰ درصد جمعیت این شهر فلسطینی مسلمان و ۳۰ درصد آن فلسطینی مسیحی هستند.

میسا عبدالهادی نخستین بار در سال ۲۰۲۱ و در جریان اعتراض به تلاش رژیم صهیونیستی برای اشغال محله فلسطینی‌نشین شیخ جراح و تحویل آن به یهودیان مهاجر زخمی شد.

۲- مونا الکرد

مونا الکرد زن ۲۵ ساله فلسطینی، در محله مشهور شیخ جراح در قدس شرقی زندگی می‌کند. دلیل شهرت یافتن او حضور در این محله است. صهیونیست‌ها برای مدت‌ها تلاش داشتند تا این محله را به طور کامل اشغال کرده و با بیرون راندن ساکنان فلسطینی‌اش، یهودیان را در آن ساکن کنند. او در کنار برادر دوقلویش محمد الکرد، به دلیل ایستادگی در برابر اشغال محله شیخ جراح مورد توجه جهانی قرار گرفته است. تلاش‌های او یکی از عوامل محرک در بحران سال ۲۰۲۱ بود که در یکی از شاخه‌های خود منجر به جنگ ۱۱ روزه می‌۲۰۲۱ شد.

با وجود تلاش‌های رسانه‌ای و اجتماعی مونا الکردی که میلیون‌ها دنبال کننده در شبکه‌های اجتماعی دارد، صهیونیست‌ها پیشتر در سال ۲۰۰۹، بخشی از خانه خانواده وی در شیخ را اشغال کرده‌اند.

۳- ایزابلا خیریه حدید

ایزابلا خیریه حدید مدل فلسطینی‌تبار آمریکایی است که تلاش کرده از حق مردم فلسطین حمایت کند. خانم حدید در واشنگتن دی سی پایتخت آمریکا به دنیا آمده و بزرگ‌شده سانتا باربارا در کالیفرنیاست. پدر او محمد حدید یک شهروند فلسطینی بود که از کودکی به همراه خانواده‌اش در آمریکا پناهنده شد و در رشته معماری تحصیل کرد و در حوزه املاک فعال است.

خانم حدید که با توجه به نفوذ یهودیان در آمریکا و صنایع پرسود فعالیت‌هایش در خطر قرار دارد گفته است: «حتی اگر حرفه‌ام نابود شود، هرگز حمایت از فلسطین را متوقف نخواهم کرد.» از دیگر موضع‌گیری‌های مهم او نامیدن نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل به «هیتلر جدید» است. او همچنین گفته است: «اگر اسرائیلی‌ها از جنگ دست بردارند، صلح برقرار خواهد شد. اگر فلسطینی‌ها از جنگ دست بکشند، فلسطین نابود خواهد شد.»

۴- إسرائ جعابیص

از زندانیانی است که در جریان آتش‌بس موقت در حین جنگ طوفان الاقصی آزاد شد. او در ماه سپتامبر، یک ماه قبل از عملیات ۷ اکتبر داستان مصیبت‌های خود را در کتاب «مصیبت‌زده» منتشر کرد. جعابیص که یک مادر است، در سال ۲۰۱۵ حین بازگشت به قدس با مشکلی در خودروی خود مواجه شد و در نتیجه شلیک نظامیان صهیونیست به خودروی وی و بروز آتش‌سوزی ۶۰ درصد بدن او سوخت. در حین آتش‌سوزی خودرو، کارشکنی‌های آزاردهنده صهیونیست‌ها هم آغاز شد. آنها در ابتدا مانع از انتقال وی به بیمارستان شدند اما در نهایت این کار انجام شد. این اسیر فلسطینی در نهایت

پس از سه ماه و ۱۰ روز حضور در بیمارستان برای گذراندن ۱۱ سال محکومیت حبس خود به زندان رمله منتقل شد. وضعیت جعابیس به قدری وخیم بود که صهیونیست‌ها دادگاهش را در بیمارستان برگزار کرده بودند. رژیم صهیونیستی به علت دشواری انتقال وی، جلسات دادگاه فرمایشی خود را در داخل بیمارستان تشکیل داد. او که همسرش به علت تصادف فلج و خانه نشین بود و خودش نیز گرفتار اسارت و سوختگی، در دادگاه علاوه بر محکومیت زندان به ۵۰ هزار شکل جریمه نیز محکوم شد. صهیونیست‌ها در زندان نیز شرایط سختی بر این اسیر تحمیل کردند به گونه‌ای که او نه تنها نتوانست ۸ عمل جراحی لازم را انجام دهد بلکه از داروها و مسکن‌های مورد نیازش نیز محروم بود. حلوه حمامه یکی از اسرای هم‌بند جعابیس درباره وضعیت دشوار او می‌گوید هر زمان که زنان زندانی از خواب بیدار می‌شدند، اسراء را می‌دیدند که از شدت درد ناشی از سوختگی‌های بدنش زیر دوش آب سرد ایستاده است و بسیار پیش می‌آمد که در نتیجه فریادهای ناشی از درد وی از خواب بیدار می‌شدیم.

۵- عطا جرادات

او هم در جریان تبادل اسرا در جریان جنگ طوفان الاقصی رنگ آزادی را دیده است. عطا جرادات که در زمان آزادی ۵۰ سال داشت، به مادر اسرا نیز معروف است. دلیل این نامگذاری، سرپرستی یا کمک به اسرای زن فلسطینی در زندان نیست بلکه به اسارت سه پسرش مربوط است. صهیونیست‌ها جرادات را در سال ۲۰۲۱ دستگیر کردند، یک هفته پس از آنکه دو پسرش عمر ۲۱ ساله و غیث ۱۸ ساله دستگیر و به زندان مجیدو منتقل شدند. در مارس ۲۰۲۲ نیز منتصر پسر بزرگش که ۳۳ سال سن دارد، دستگیر شد. جرادات به رسم عرب‌ها، با کنیه نام فرزند بزرگتر خود «ام منتصر» نیز نامیده می‌شود. بهانه اصلی صهیونیست‌ها برای به بند کشیدن این خانواده، حضور احتمالی غیث-کوچک‌ترین پسر خانواده- به شرکت در تیراندازی علیه شهرک‌نشینان در نزدیکی شهرک هومش در سال ۲۰۲۱ است که در آن یک صهیونیست به هلاکت رسید و یک نفر دیگر زخمی شد. خانم جرادات دو سال اسارت خود را در زندان مشهور دامون گذرانده است. این زندان که یکی از مخوف‌ترین زندان‌های رژیم به حساب می‌آید، ابتدای سال جاری میلادی شاهد انتشار گسترده فایل استغاثه و کمک‌خواهی زندانی زن حاضر در آن بود. در این فایل، یکی از زندانیان با توجه به فشارها و ضرب‌وشتم علیه زنان این زندان، از مسلمانان و مردم فلسطین درخواست کرده بود به کمک آنان بشتابند. خانم جرادات که اهل شهر السیله الحارثیه در نزدیکی جنین در شمال کرانه باختری است، پس از آزادی از بند صهیونیست‌ها افشا کرد آنان به دنبال حمله موفق ۷ اکتبر، شاهد تشدید فشارها مانند قطع ارتباط با خانواده و پاشیدن اسپری فلفل بودند. هرچند امروز جرادات که در آستانه محکومیت به ۱۵ سال زندان بود به همراه یکی از فرزندان آزاد هستند اما همچنان دو فرزند دیگر وی در بند رژیم قرار دارند.

۶- میسون موسی الجبالی

میسون موسی در سال ۱۹۹۵ به دنیا آمده است و یکی از مبارزان فلسطینی به شمار می‌رود. این زن مقاوم و ۲۸ ساله فلسطینی متعلق به یک خانواده پرجمعیت است و ۷ برادر و ۶ خواهر نیز دارد. نرخ فرزندآوری بالا یکی از اقدامات مقاومتی فلسطینی‌ها در برابر صهیونیست‌هاست تا مانع برهم خوردن توازن جمعیتی در سرزمین‌شان شوند. دلیل دستگیری خانم الجبالی ترتیب دادن عملیات شهادت طلبانه توسط وی است که در بیت لحم منجر به زخمی شدن یک نظامی زن صهیونیست شد. این مبارز فلسطینی پس از دستگیری در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۵ به ۱۵ سال زندان محکوم شد. با این حال او در نهمین سال زندانی شدنش، در جریان تبادل اسرا در جنگ طوفان الاقصی آزاد شد.

این زندانی پرسابقه، در زمان دستگیری دانشجوی سال اول در دانشگاه قدس در رشته ادبیات انگلیسی بود، اما با وجود قطع تحصیلاتش در این رشته موفق شد در زندان با وجود دشواری‌ها مدرک کارشناسی در رشته خدمات اجتماعی را اخذ کند.

گفته می‌شود اسرای زن فلسطینی به دلیل سال‌های زیاد اسارت میسون در زندان به نسبت سن کمش، به او لقب «رئیس اسرای زن فلسطینی» داده بودند. او نیز در زندان مشهور دامون، دوران اسارت خود را گذرانده است. محل زندگی الجبالی نیز دارای اهمیت خاصی در فلسطین و حتی در جهان است. او اهل روستای الشواره در شرق شهر بیت لحم در کرانه

باختری رود اردن است که منطقه‌ای مهم به لحاظ فرهنگی و دینی به شمار می‌رود. منطقه بیت لحم به دلیل آنکه محل تولد حضرت عیسی (علیه السلام) به حساب می‌آید مورد توجه مسیحیان قرار دارد. تعطیلی و فشار بر ساکنان فلسطینی این منطقه در جریان جنگ، مورد توجه مسیحیان از پاپ تا نمایندگان کنگره آمریکا قرار گرفته است.

۷- نورهان خضر عواد

شهرت او به خاطر لیخندی است که در محاصره نظامیان صهیونیست در هنگام برده شدن به دادگاه داشت. این لیخند برای ساکنان کرانه باختری و شهر قدس که در منطقه‌ای پر از حصار و ایست‌وبازسی‌هایی به همراه فشار و تحقیر زندگی می‌کنند، معنایی دیگر داشت. نورهان از بدترین جا و سخت‌ترین شرایطی که برای یک زن قابل تصور بود، لیخند می‌زد. این برای دیگر فلسطینیانی که آزاد بودند، امیدی برای حیات حتی زیر فشار و تحقیر صهیونیست‌ها بود. یکی از اسرای زن همبند با نورهان می‌گوید او با وجود آنکه بسیار کوچک به نظر می‌رسید دختری شگفت‌انگیز بود که به قلب همه زندانیان نفوذ می‌کرد. علی‌رغم وجوه مثبت، اما این زن فلسطینی داستانی غمبار پشت‌سر خود داشت. نورهان خضر عواد در سن ۱۵ سالگی هنگامی که با «هدیل عواد» دختر عموی ۱۴ ساله خود از مدرسه برمی‌گشت، با نظامیان صهیونیست مواجه شد. صهیونیست‌ها با آتش گشودن به سمت این دو باعث شهادت هدیل عواد شدند. نورهان نیز پس از زخمی شدن بازداشت و به بیمارستان برده شد و همزمان نیز مورد بازجویی قرار گرفت. او با وجود شرایط سلامتی دشوار خود به زندان هشارون منتقل شد. رژیم مدعی بود او و هدیل تلاش کرده‌اند با سلاح سرد به دو شهرکنشین صهیونیست حمله کنند. صهیونیست‌ها می‌گفتند نورهان به این دلیل که یکی از برادرانش در سال ۲۰۱۳ به دست رژیم به شهادت رسیده، قصد داشت انتقام بگیرد. این ادعا اما اثبات نشد. رژیم این اسیر زن را با وجود سن بسیار کم به ۱۳ سال و ۶ ماه زندان و پرداخت ۳۰ هزار شکل جریمه نقدی محکوم کرد. خضر عواد از اهالی قلندیا در شمال شهر قدس است که بخشی از کرانه باختری به شمار می‌رود.

۸- عهد التمیمی

عهد التمیمی یکی از معدود مبارزان فلسطینی مشهور در جهان است. شهرت او به جایی رسیده که حتی محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی با او دیدار کرده و رجب طیب اردوغان نیز با او تماس تلفنی برقرار کرده است.

او در سال ۲۰۰۱ در میانه انتفاضه دوم در روستای نبی صالح به دنیا آمد و دوره‌ای بحرانی را طی کرد. یکی از زمینه‌هایی که باعث شد او در مسیر مقاومت گام بردارد، تلاش صهیونیست‌ها برای تخریب روستای آنها و تبدیل آن به شهرک صهیونیست‌نشین بود. اهالی این روستا که هم‌نام التمیمی بودند، هفتگی اعتراضاتی را برنامه‌ریزی کرده بودند که به معروفیت آنها منجر شد. بخشی از این معروفیت به پیگیری و حساسیت رسانه‌های جهانی به مباحث مرتبط با شهرک‌سازی‌های رژیم در کرانه باختری رود اردن باز می‌گشت.

علاوه بر برجستگی رسانه‌ای اعتراضات روستا، حضور فعالانه التمیمی در این درگیری‌ها از سنین کودکی باعث شد وی به چهره‌ای آشنا برای رسانه‌های جهان و مخاطبان‌شان در سراسر کره زمین تبدیل شود. اوج شهرت او به دسامبر ۲۰۱۷ بازمی‌گردد که او به دنبال یورش نظامیان صهیونیست به روستایشان به یکی از سربازان سیلی می‌زند. فیلم این سیلی به سرعت گسترده شد و مورد توجه و بحث بین‌المللی قرار گرفت.

این شجاعت در خانواده التمیمی‌ها ریشه‌دار است. پدر عهدالتمیمی، پسر عموی الاحلام التمیمی اولین زنی است که به شاخه نظامی حماس گردان‌های «عزالدين القسام» پیوست. رژیم مدعی است احلام التمیمی در حمله به یک رستوران در قدس که طی آن ۱۶ صهیونیست کشته و ۱۳۰ نفر دیگر زخمی شدند، نقش داشته است. احلام التمیمی در سال ۲۰۱۱ پس از ۱۰ سال زندان، و توافق تبادل اسرا معروف به «شالیت» آزاد شد.



وصول

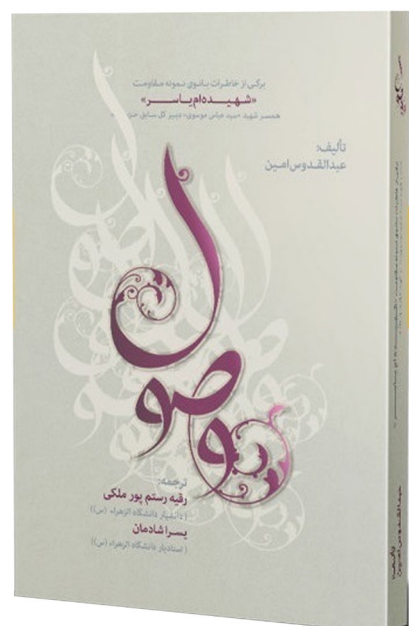
به گزارش گروه سیاسی خبرگزاری دانشجو، کتاب «وصول» خاطرات شهیده امیاسر، همسر شهید سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب الله لبنان است که توسط عبدالقدوس امین در ۲۰۸ صفحه نگارش شده است. این کتاب توسط رقیه رستم پورملکی و یسرا شادمان، دانشجویان دانشگاه الزهراء (ع.ا)، ترجمه شده و توسط انتشارات صریح روانه بازار نشر شده است. این کتاب، داستان زندگی یک شهید است. «امیاسر» بانویی از زنان مقاومت لبنان بود که همراه با همسرش به شهادت رسیدند.

نویسنده در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «همه اطلاعاتی که من از خانواده محترم امیاسر در دست دارم، به زمانی بازمی‌گردد که افتخار همسایگی با ایشان را در نجف اشرف داشتم. به اضافه مطالبی که در مقالات خواندم و حدود سی گفت‌وگویی که شخصا با ایشان انجام دادم.»

برهمن اساس بود که یک روز رئیس انجمن فرهنگی لبنان از من خواست تا زندگینامه امیاسر را بنویسم... همه آنچه درباره امیاسر گردآورده بودم، اثر شگرفی بر روح و جان من گذاشته بود و نگارش زندگی‌نامه را که معمولا در قالبی خشک و بی‌روح به رشته تحریر درمی‌آید، بر من دشوار ساخته بود.»

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: امیاسر بانویی بود، که صمیمانه به همسرش عشق می‌ورزد؛ مادری که معنای ایثار و فداکاری مادرانه را به تمام در وجود خود معنا کرده است؛ مبارزی جان برکف در مسیر جهاد و مبارزه، پایه‌پای همسری که در کنار او اولین گام‌های خود را در میدان مجاهدت گذاشت.

چه خوب حق همسری و مادری و مبارزه را ادا کرد و بالاتر از همه این‌ها، نمونه بنده مطیع پروردگار بود. او به عهدی که با خدا بسته بود وفادار ماند و هرگز دچار تزلزل نشد، ثبت و ضبط زندگی‌نامه اینگونه افراد فرصتی فراهم می‌کند تا زنان و دخترانی که بانوی بزرگوار اسلام، حضرت زهرا (ع.ا) را به عنوان الگوی خویش انتخاب کرده‌اند، از بانوانی همچون امیاسر در این مسیر سرمشق بگیرند، امیاسر زنی بود که معامله پرسودی با خدا کرد او جان خود را پیش‌کش قربانگاه الهی کرد و در ازای آن مقام رفیع شهادت و وصال حق را از آن خود ساخت.



دلنوشته ابراهیم حاتمی کیا در پی شهادت سید حسن نصرالله



«انا لله و انا اليه راجعون»

سید این احوال دوگانه را چه کنم؟! مگر جامه‌ای جز رخت شهادت بر تو زینده بود. کاش سید، مقابلت نشسته بودم و متن سوگنامه را با خودت تمرین می‌کردم. مطمئن هستم هر بار جمله‌ای در وصف می‌نوشتیم با آن گونه‌های سرخ و محبوب، می‌خندیدی و مرا خجالت‌زده می‌کردی. سید، جیگرم سوخت. باورش سخت است که لبنان بدون تو را تصور کنم. سید، بارها در لبنان به عشق دیدارت به انتظار نشستیم و سهم دیدارت نصیبم نشد. سید، ارابه فرعون را به بازی گرفته‌ام و فریاد می‌کشم صدا، دوربین، حرکت ولی عالم مجاز من کجا، عالم حقیقی تو و یارانت کجا. من مشغول قهرمان بازی مجاز بودم که خبر آمد سید حسن نصرالله رفت. صدا و دوربین خاموش ولی حرکت تو تا بیت المقدس ادامه خواهد داشت. اکنون من مانده‌ام و چشمان گریان آسیه سلام الله که مقابل شکنجه فرعون برای دست کشیدن از حق منتظر است و او جز هم‌نشینی خدا چیزی نمی‌بیند. سید، این قوم فرعونی به گواه تاریخ رفتنی‌اند ولی راه تو و مرام و نگاه مقاومت همچنان ماندنی خواهد بود. من که حاضر نیستم تصویر انگشت اشاره‌ات که به سمت اسرائیل نشانه می‌رفتی را، لحظه‌ای از نظرم پاک کنم و بر پیکر پاره پاره‌ات نظر کنم. سید زنده است. راه مقاومت زنده است.»

ابراهیم حاتمی کیا / ۸ مهر ۱۴۰۳

دانش



ای مهدی موعود علیه السلام، ای نور هدایت و رحمت الهی!

در این روزها که مظاهر ظلمت و بی عدالتی در گوشه و کنار جهان نمایان است، یاد تو تسکین دهنده دل هایمان است. در حالی که در هر گوشه ای صدای ناله و فریاد انسانی به گوش می رسد، ما منتظر ظهور تو هستیم تا با آمدنت، آرامش و عدالت را به دست آوریم.

تو که پشتوانه مان هستی و در دل هایمان طنین انداز می باشی، گویی فرزند غیبت و درد هستی، به ما درس ایستادگی و صبر می دهی. یاد تو به ما یادآوری می کند که در هر بیدادگری، در هر ناامیدی، امیدی به پایان آن وجود دارد. در زنجیرهای غیبت، ما را به دعا و تضرع می خوانی و ما را به یاد می آوری که تنها با یاد توست که می توانیم بر تمام مشکلات فائق آییم.

ای مهدی عزیز! در دنیایی که بسیاری از انسان ها از حقیقت دور شده و در ظلمات جهل و فساد غوطه ورنده، تو سرور فاطمه علیها السلام و آخرین امید بشریت هستی. ما را به یاد توست که می دانیم یک روز نظام جهانی با ظهور تو دگرگون خواهد شد. تویی که وعده داده ای تا عدالت را در سرزمین ها جاری کنی و ظلم و ستم را ریشه کن نمایی.

در دل هایمان همیشه سازماندهی امید و انتظار تو قرار دارد. با ظهور تو، زخم ها و دردهای بشریت چاره خواهد شد و امید به زندگی دوباره خواهد بازگشت. در حالی که جهان در عصر غیبت تو به سر می برد، دل های ما می تپد و فقط با یاد توست که می توانیم در مقابل طوفان ها ایستادگی کنیم.

جوانان ما، به امید تو، در جستجوی حقیقت اند. آن ها با شجاعت در میدان های حق و صداقت ایستاده اند و تو را به عنوان الگو و راهنمای خود در نظر دارند. بی شک، باید به این جوانان امید داشته باشیم که با ظهور تو، تلاش های شان رنگ می گیرد و در سایه ت، بیداری و آگاهی به وجود خواهد آمد.

ای ولی خدا! ما با دل هایی مملو از عشق و ارادت، در انتظار روزی هستیم که با قدم مبارکت، تمام مسلمانان و پیروان واقعی ات گرد هم جمع شوند. زمانی که زمین پر از عدالت و صداقت تو باشد و همه در زیر سایه رحمت زندگی کنند.

خدایا! ظهور مهدی موعود علیه السلام را نیکو فرما و ما را از یاران وفادارش قرار ده. آمین.

نقاشی جدید حسن روح الامین، در پی پیام رهبر انقلاب علیه السلام به مناسبت مراسم تشییع شهید سید حسن نصرالله

روح و راه حضرت سید حسن رحمته
سرافراز تو لذتیش جزو خودم کرد
و راه را به رهروان نشان خواهد داد.
نشاهد.

سید علی
۲۰۳/۱۲/۳



وَاللَّيْصَامَا النَّهْ حَوْلَ الْإِنْسَانِ الْحَالِ
وَلَقَدْ سَلَّكَ سُبُلَ الْإِبْرَاهِيمَ
مَنْعَلَتِ أَيْدِي بَرَاءِ بَنِي إِسْرَءِيلَ



عَلَيْهِ السَّلَامُ
هِنْدَكَا

مدرسه علمیه تخصصی حضرت آمنه (ع)